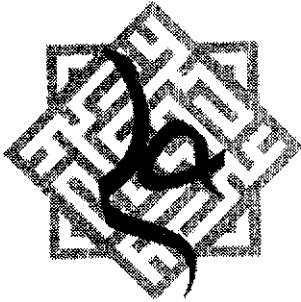


# علی و قرآن

محمدعلی مهدوی راد



تفسیر قرآن کریم به روزگار رسول الله (ص) آغاز شد و با پاسخ‌های آن بزرگوار به پرسش‌های مردمان درباره آیات و آموزه‌های وی در تبیین و توضیح آیات الهی، دامن گسترده. آن‌گاه به روزگار صحابیان دامن گشود و کسانی از صحابیان به تفسیر و تبیین آیات الهی شهره شدند. جلال‌الدین سیوطی در جایی نوشته است:

از میان صحابیان ده نفر به تفسیر مشهورند: خلفای چهارگانه، عبدالله بن مسعود، ابن عباس، ابی بن کعب، زید بن ثابت، ابوموسی اشعری و عبدالله بن زبیر. از میان خلفا، بیش‌ترین روایات تفسیری از آن علی بن ابی طالب است.<sup>۱</sup> اما روایات تفسیر از آن سه دیگر اندک است.<sup>۲</sup>

بدین سان در میان صحابه، امیرالمؤمنین علی (ع) از جایگاه ویژه‌ای در تفسیر برخوردار است. در این نگاشته بر آنیم تا اندکی از آنچه را درباره جایگاه مولا (ع) در تفسیر قرآن توان گفت، بیاوریم.<sup>۳</sup>

## علی (ع) پیشوای مفسران

علی (ع) بی‌گمان سرآمد مفسران و برجسته‌ترین چهره تفسیری در این دوره است. علی (ع) سیراب شده از چشمه سار زلال وحی است و همگام و همراه همیشگی رسول الله (ص) فراگیرنده و ابلاغ‌کننده وحی. زیباترین بیان در ترسیم این پیوند و هماهنگی را مولا (ع) در ضمن گفتاری بلند بدین سان تبیین کرده است:

... آن‌گاه که کودک بودم مراد در کنار خود نهاد و بر سینه خویشم جا داد، و مراد در بستر خود می‌خوابانید؛ چنانکه تنم را به تن خویش می‌سود و بوی خوش خود را به من می‌بویانید و گاه بود که چیزی را می‌جوید، سپس آن را به من می‌خورانید... و من در پی او بودم. در سفر و در حضر. چنانکه شترچرخه در پی مادر. هر روز برای من از اخلاق خود نشانه‌ای برپا می‌داشت و مرا به پیروی آن می‌گماشت. هر سال در «حراه» خلوت می‌گزید، من او را می‌دیدم و جز من کسی وی را نمی‌دید. آن هنگام جز خانه‌ای که رسول خدا (ص) و خدیجه (ع) در آن بود، در هیچ خانه‌ای مسلمانان راه نیافته بود، من سومین آنان بودم.

۱. از میان اینان، نقل‌های تفسیری عایشه و نیز عمر بن الخطاب گردآوری شده است. ر. ک: مسعود بن عبدالله الفنیسان، *مرویات ام‌المؤمنین عایشه فی التفسیر*، ریاض، مکتبه‌المؤبه، ص ۱۴۱۳. برخی از آرای تفسیری عایشه در تفسیر نگاری مکتب خلفا تأثیر مهمی داشته است، و نیز ر. ک: *التفسیر المأثور عن عمر بن الخطاب*، ابراهیم بن حسن لیبی، الدار العربیه للکتاب، ۱۹۹۴.

۲. *الاتقان*، (تحقیق ابوالفضل ابراهیم)، ج ۴، ص ۲۳۳، تحقیق فواز احمد زتشرلی، ج ۲، ص ۴۶۷.

۳. آنچه در این مقاله می‌آید به واقع برشی است از پژوهش بلند این بنده در «تاریخ تفسیر قرآن کریم». این مقاله بخشی است از تفسیر در عصر صحابه، امیدوارم مجلد آغازین این مجموعه در بحث‌های مقدماتی تفسیر و تاریخ تفسیر و تفسیر عصر پیامبر و صحابه، به زودی به چاپ سپرده شود.



روشنایی وحی و پیامبری را می‌دیدم و بوی نبوت را می‌شنوادم. من هنگامی که وحی بر او (ص) فرود آمد، آوای شیطان را شنیدم. گفتم: ای فرستاده خدا این آوا چیست؟ گفت: «این شیطان است که از آن که او را نپرستند نومید و نگران است. همانا تو می‌شنوی آنچه را من می‌شنوم و می‌بینی آنچه را من می‌بینم، جز این که تو پیامبر نیستی و وزیری و بر راه خیر می‌روی و مؤمنان را امیری.<sup>۴</sup> بدین سان علی (ع) جان و دل را در آیشار وحی می‌شست و از نغمه‌های دلنواز آن، جان را سرمست می‌ساخت و از آغازین روزگاران زندگی با جاری‌های وحی زندگی می‌کرد و با آموزه‌های وحی لحظه‌های زندگی را درمی‌آمیخت. بدین گونه او همبر وحی بود و همگام آن. محدثان و مورخان آورده‌اند که آن بزرگوار همواره می‌فرمود:

«از من، هر آنچه از آیات الهی خواهید پرسید، چه این که تمام آیات الهی را می‌دانم که کی و کجا نازل شده است، در فرازها و یا فرودها، در روزان و یا شبان. خداوند به من قلبی فهیم و زبانی گویا عنایت کرده است.»<sup>۵</sup>

و نیز می‌فرمود: «به خداوند سوگند تمام آیات الهی را می‌دانم درباره‌ی چه و کجا نازل شده است. پروردگارم به من قلبی فهیم و زبانی پرسنده بخشیده است.»<sup>۶</sup>

و نیز می‌فرمود:  
«تمام آیات الهی را بر رسول الله (ص) خواندم و پیامبر معانی آیات را به من تعلیم داد.»<sup>۷</sup>

و نیز فرمود:  
«هر آیه‌ای را که خداوند به رسول الله (ص) فرو فرستاد آن را جمع کردم و تمام آیات را رسول الله (ص) بر من فرو خواند و تأویلش را به آموزاند.»<sup>۸</sup>

و نیز فرمود:  
«خداوند از میان اصحاب محمد (ص) مرا به دانش ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و خاص و عام و ویژه ساخت و این منتهی بود بر من و بر رسول الله (ص).»<sup>۹</sup>

و فرمود:  
«اگر بخواهم، هفتاد بار شتر از تفسیر فاتحه می‌آکنم.»<sup>۱۰</sup>  
این جایگاه والا و مرتبت عظیم علی (ع) در فهم قرآن در میان صحابیان روشن بود، و آنان بر این مکانت معترف بودند که در ادامه این بحث، اندکی از اظهار نظرهای آنان را می‌آوریم.

**آگاهی علی (ع) از قرآن، به گزارش وحی علی (ع) در آن روزگار، در نگاه همگان برترین چهره صحابیان و**

ارجمندترین کسی بود که نیکی‌ها، والایی‌ها، ایشارها و فداکاری‌هایش را قرآن رقم زده و از شخصیت عظیم وی سخن گفته است. بدین سان فضایل علوی در میان آیات الهی تا بدان جا گسترده که آگاهان از معارف قرآنی بر این باور بودند که حدود سیصد آیه از آیات الهی، برتری‌ها و ارجمندی‌ها و فضایل علی (ع) را بر شمرده است.<sup>۱۱</sup> اما آنچه با بحث ما پیوندی استوار دارد و علی (ع) آن را برترین فضیلت و منقبت خود می‌شمارد<sup>۱۲</sup>، آیه

۴. نهج البلاغه، خطبة قاصعه (خ ۱۹۲)، ص ۱۰۰، ترجمه شهیدی، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۵. اسباب الاشراف، ج ۲، ص ۹۹، غرر الحکم، ج ۲، ص ۵۶۳۲.

۶. اسباب الاشراف، ج ۲، ص ۹۹، حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۷، تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۹۷؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۵، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۵۷.

۷. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳.

۸. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۸۱؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۰۷.

۹. الخصال، ص ۵۷۸.

۱۰. بنایع الموعده، ج ۳، ص ۲۰۹؛ المناقب، ج ۲، ص ۴۳.

۱۱. الصواعق المحرقة، ص ۱۲۷؛ کفایة الطالب، ص ۲۲۱؛ احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۸۰؛ بنایع الموعده، ج ۲، ص ۴۰۶.

۱۲. کتساب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۹۰۳؛ نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۲۱؛ بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۴۰؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۷۷. نقل سلیم ضمن این که مشتعل بر این نکته است، اما در آن از آیاتی دیگر نیز سخن رفته است. نقل نور الثقلین و صافی صریح بر این مطلب است، بدون همبری آیه‌ای دیگر. مفسر جلیل القدر و دانشمند استاد محمد تقی شریعتی در تفسیر این آیه الهی، سخنرانی پر نکته‌ای ایراد کرده‌اند که با عنوان «علی شاهد رسالت» نشر یافته است. در آغاز آن سخنرانی بر برتری این منقبت تأکید کرده‌اند. متن کلام آن بزرگوار را می‌آوریم:

باری من بارها با خود می‌اندیشیدم که در بین آیات نازل شده در شأن مولا، کدامیک از همه مهم تر است و عظمت مقام او را بهتر می‌شناساند. چند بار در این خصوص تغییر عقیده داده‌ام. عقیده ما قبل آخرم این بود که آیه کریمه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک فان لم تفعل فما بلغت رسالته واللہ یعصمک من الناس» (مائده/ ۳) مهم تر از همه است. زیرا خداوند می‌فرماید: ای پیغمبر آنچه به سوی تو فرود آمده به مردم برسان که اگر نکردی وظیفه رسالت را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از مردم نگهداری می‌کند. چنین تهدید عجیبی که اگر پیغمبر دستوری را تبلیغ نکند، اصلاً به وظیفه پیغمبری عمل نکرده و مثل این است که هیچ یک از عقاید و احکام را ابلاغ نفرموده باشد، در سراسر قرآن نظیر ندارد؛ آن هم در حجة الوداع که اصول دین، از توحید و نبوت و معاد و فروع آن، تماماً به مردم تبلیغ شده و خمس و زکات پرداخته و مناسک حج را با پیغمبر انجام داده‌اند. غزوات بدر و خندق و احد را گذرانده‌اند، یعنی به وظیفه جهاد نیز عمل کرده‌اند. آن وقت چه دستور مهمی است که آن را از ترس مردم تبلیغ نکرده و آن مردم کیستند که آن حضرت از آنها بی‌مناک است. در صورتی که مشرکین مغلوب شده و فتح مکه، اسلام را بر همه تیره‌ها و طوایف پیروز گردانیده است.

بسیار روشن است که این امر مهم جز ولایت و نصب امیرالمؤمنین به

ذیل است:

ويقول الذين كفروا لست مرسلًا قُل كفى بالله شهيدًا بيني وبينكم ومن عنده علم الكتاب (رعد، ۴۳)  
 کافران می گویند که تو پیامبر نیستی. بگو خدا میان من و شما گواهی بسنده است و آن که دانش کتاب (قرآن) نزد او است.

خداوند از خیره سری کافران و از وضع خصمانه آنان در برابر پیامبر، و این که آنان همی خواهند گفت و می گویند که تو پیامبر نیستی، خبر می دهد. رسول الله (ص) مأمور می شود که در برابر این جو آفرینی و ستیزه گری کافران بگوید: بر صدق مدعا و استواری موضع من، همین بس که خدا گواه است و آن کس که علم کتاب نزد اوست.

اندکی تأمل در سوره رعد که مکی است<sup>۱۳</sup> - و آهنگ کلی آن در جهت تبیین حقیقت قرآن و تأکید بر این که قرآن نشان صدق رسالت است و رویارویی با پندار مشرکان - که آیات الهی را نشان صدق رسالت نمی دانستند و در پی معجزه ای دیگر بودند - این حقیقت که با آیات آغازین سوره شروع می شود و در آیات میانی بدان تأکید می گردد و در پایان با آیه مورد بحث، نتیجه گیری می شود که تأکیدی است مجدد بر آنچه در آغاز آمده - تردیدی باقی نمی گذارد که مراد از کتاب، قرآن کریم است و عالم به این کتاب، باید پاکیزه خوبی باشد از این امت و از برآمدگان تعالیم این فرهنگ و آموزه های قرآن. <sup>۱۴</sup> از همان روزگاران نخست علی (ع) چونان مصداقی روشن برای جمله «من عنده علم الكتاب» شناخته شده و پیامبر (ص) بر این نکته در تفسیر و تأویل این آیه تأکید ورزیده بود. <sup>۱۵</sup> صحابیانی و آشنایان با قرآن نیز مانند ابن عباس، سلمان فارسی، ابوسعید خدری، قیس بن سعد، محمد بن حنفیه<sup>۱۶</sup> و زید بن علی مصداق آن را علی (ع) می دانسته اند. اما فضیلت ستیزان از یکسو کوشیدند معنای «کتاب» را وارونه سازند و از سوی دیگر برای «من عنده علم الكتاب» مصداق یا مصداق هایی بتراشند، <sup>۱۷</sup> از جمله مراد از کتاب را، تورات بدانند و مصداق «من عنده الكتاب» را، عبدالله بن سلام. اما از همان روزگاران نخست مرزبانان حریم حق، این ستیزه گری با حق را برنتابیدند و مفسر عالیقدر شیعی سعید بن جبیر<sup>۱۸</sup> در پرسش از آیه و این که آیا مصداق آن عبدالله بن سلام است، می گفت: «چگونه چنین تواند بود، در حالی که این سوره مکی است و عبدالله بن سلام بعد از هجرت و در مدینه اسلام آورده است.»<sup>۱۹</sup>

شگفت آن که، افزون بر آن که چنین مصداقی با آهنگ کلی سوره و چگونگی گواه گرفتن خداوند بر صدق رسالت رسول الله (ص) مغایرت دارد، خود عبدالله بن سلام نیز از

کسانی است که نزول این آیه را درباره علی (ع) گزارش کرده و<sup>۲۰</sup>

امامت و خلافت نمی تواند باشد که مطابق عقیده شیعه شرط قبول همه طاعات است. بنابراین تمام دین، بدون این شرط، مقبول نیست. پس اگر ولایت ابلاغ نمی گردید، مثل این است که وظیفه رسالت انجام نشده است. به هر حال پیغمبر از خود مسلمان ها خائف بوده است که مبادا حسد و کینه آنها نسبت به شخص علی (ع) موجب اختلاف در دین و تزلزل ارکان اسلام گردد. و الا در چند آیه قبل از این خداوند به مسلمین می فرماید: «اليوم بشئ الذين كفروا من دينكم فلا تخشوهم» (مائده/ ۳) از کفار ترسید که دیگر آنها مأیوس شده اند از آن که بتوانند به دین شما صدمه بزنند. امیر مؤمنان در نهج البلاغه می فرماید: «لم يوجس موسى - عليه السلام - خيفة على نفسه بل اشفق من غلبة الجهال ودول الضلال» (خطبه ۴) یعنی موسی بر جان خویش نمی ترسید، بلکه بیم داشت که نادانان غلبه کنند و حکومت های گمراه روی کار آیند. ترس پیغمبر بزرگوار اسلام نیز از این بود.

آری من این آیه را مهم ترین آیه نازل شده در شأن علی (ع) می پنداشتم، بویژه این که این آیه در سوره مائده است و این سوره به طوری که من تصور می کنم، سراسر مربوط به همین است. هر چند جایی ندیده ام که هیچ مفسری چنین تفسیری کرده باشد، ولی چند سال پیش که قرآن را بدین منظور مطالعه می کردم، دیدم درست حوادث پس از رحلت رسول اکرم و خیانت اصحاب و پیمان شکنی آنها به صورت تاریخ امت های گذشته بیان گردیده است و خیال می کردم چنین سوره ای باید مشتمل بر بزرگ ترین آیه ای باشد که عظمت علی را کامل تر نشان بدهد و داشتم تقریباً مطمئن می شدم که به آیه ای که در آغاز سخن قرائت شد، برخوردیم. پس از اندک تأملی تغییر عقیده دادم. در این جا برای آن که دیگر دچار اشتباه نشوم به تفاسیر هم رجوع کردم، خوشبختانه دیدم، خود امیرالمؤمنین نیز این آیه را مهم تر از همه می دانند؛ چنانچه فیض و ابوالفتح و بسیاری دیگر از مفسرین نقل نموده اند. دیگر جای تأمل و تردید نبود. حال ملاحظه بفرمایید که اولاً علی در برابر خداوند شاهد قرار داده شده و ثانیاً صدق پیغمبر در ادعای رسالت و حقایق دینت و شریعت اسلام به شهادت علی اثبات گردیده است و از آن حضرت به کسی که «علم الكتاب» را دارا است، تعبیر فرموده است. یعنی چنین مقام شامخ و عظمت بی مانند ای را به سبب این علم پیدا کرده است. (ر. ک: چشمه کویر، ص ۳۲۶-۳۲۸)

۱۳. المیزان، ج ۱، ص ۲۸۴ و ۳۸۶؛ فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۰۳۹.
۱۴. برای تفسیر دقیق آیه ر. ک: المیزان، ج ۱۱، ص ۲۸۳؛ استاد محمدتقی شریعتی، خلافت و ولایت از دیدگاه قرآن و سنت، چاپ اول، ص ۲۱۲ نیز «علی شاهد رسالت» پیشین، احمد رحمانی همدانی، الامام علی بن ابی طالب، ص ۱۷۹.
۱۵. اسالی صدوق، ج ۳، ص ۴۵۲؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۰؛ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۰۷؛ غایب المرام، ص ۳۵۸، باب ۶۰، حدیث ۱۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۹.
۱۶. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۰؛ احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۸۰ و ۲۴۵، ج ۱۴، ص ۳۶۲؛ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۰۷.
۱۷. جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۷۶؛ الدرر المشور، ج ۴، ص ۱۲۸؛ التفسیر المنیر، ج ۱۳، ص ۱۹۴.

<



مفسر سوری چون شعبی تصریح کرده که هرگز آیه ای از قرآن درباره عبدالله بن سلام نازل نشده است!<sup>۲۱</sup>

امامان (ع) نیز در مقام مفسران راستین قرآن و در جهت برملا ساختن تفسیرهای وارونه، بر نزول آن درباره علی (ع) تأکید نموده،<sup>۲۲</sup> و با صراحت تفسیرهای دیگر را کذب محض معرفی کردند.<sup>۲۳</sup> همچنین نشان داده اند که آگاهی از اعماق جلیل و ژرفای ناپیدا کرانه کتاب الهی سزاوار علی (ع) و خاندان وحی است<sup>۲۴</sup> که «اهل البیت ادری بما فی البیت». بدین سان به گواهی قرآن کریم، علی (ع) بر گستره معانی قرآن آگاه و دانش گسترده، اعماق جلیل، ژرفای شگرف و آموزه های ناپیدا کرانه آن نزد علی (ع) و همگنان آن بزرگوار است. علامه طباطبایی (ره) پس از نقد و بررسی دیدگاه های مختلف درباره مصداق آیه مورد گفت و گو نوشته اند:

برخی گفته اند مراد از «کتاب» قرآن کریم است، و معنا چنین است: «آن که کتاب الهی را دریافته و به معارف آن آگاهی یافته و حقایقش را به جان نیوشیده، گواهی می دهد که قرآن وحی است و من فرستاده خداوندم.» بدین سان فرجام سوره با آغاز آن همسوی است و آیه فرجام به آیات آغازین و میسانی ناظر. در آغاز آمده است: «تلك آیات الكتاب والذی انزل الیک من ربک الحق ولکن اکثر الناس لایؤمنون» (رعد/ ۱) «اینها آیات این کتاب است و آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده است، حق است، ولی پیش تر مردم ایمان ندارند.» و در آیات میانی آمده است: «أفمن یعلم أنما انزل الیک من ربک الحق کمن هو اعمی أنما یتذکر اولوالالباب» (رعد/ ۲۰) «آیا کسی که می داند آنچه از جانب پروردگار بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابینا است؟ تنها خردمندان پند می گیرند.» این آیات در واقع تأیید و تأکید است از جانب خداوند در برابر سبک شماری ها، و تکذیب های مشرکان که گفتند «لولا انزل علیه آیه من ربّه» و گفتند «لست مرسلًا» و به رسالت پیامبر (ص) اعتنا نکردند، و آن بزرگوار را هیچ شمرند. خداوند نیز بارها پاسخ گفت و به حقیقت قرآن و این که آن برترین آیت الهی است نپرداخت، بلکه فرمود: «قل کفی باللّه...» تا هدف برآید و سخن استوار شود و این بهترین گواه است که این آیه نیز مانند دیگر آیات سوره، مکی است و این همه مؤید روایاتی است که از اهل بیت (ع) وارد شده و مصداق آیه را علی (ع) دانسته اند. راستی را اگر در آن روز جمله «من عنده علم الكتاب» فقط یک مصداق می داشت، آن کس جز علی (ع) بود؟ او که در ایمان پیشتاز و در آگاهی به قرآن برترین امت بود. این

حقیقت را روایات بسیار نشان می دهد، و اگر نبود جز حدیث متواتر «ثقلین» مدعی را بسنده بود.<sup>۲۵</sup>

بدین سان در این که این آیت الهی درباره علی (ع) نازل شده است، هیچ گونه تردیدی روان نیست، و آنچه درباره آیه آمده است و مصداق های دیگر را نشان داده، بر ساخته جریان فضیلت ستیز و فضیلت ساز امویان و دستگاه خلافت است. و این تنها نمونه آن نیست و نمونه های دیگرش بسیار است، و روایت ذیل یکی از تنبّه آفرین ترین نشانه های آن:

«اسماعیل بن خالد از ابوصالح نقل می کند که: من عنده علم الكتاب مردی از قریش است، اما ما به صراحت او را یاد نمی کنیم.»<sup>۲۶</sup>

چرا؟ روشن است. حاکمیت فرهنگ ستیز اموی نشر حق و سخن از حق را بر نمی تابید. نمونه دیگر آن را بنگرید:

یونس ابن عبید می گوید از حسن بصری پرسیدم: تو گاهی می گویی: قال رسول الله... در حالی که آن بزرگوار را ندیده ای؟ گفت فرزند برادرم، از چیزی سؤال کردی که تاکنون کسی از من نپرسیده بود، و اگر نبود حرمتی که تو در پیشم داری، هرگز پاسخ نمی دادم. ما در روزگاری زندگانی می کنیم که می بینی (زمان حجاج بن یوسف). هرگاه شنیدی که می گویم: «قال رسول الله» بدان سخنی است که از علی بن ابی طالب (ع) نقل می کنم. نهایت روزگار به گونه ای است که نمی توانم علی (ع) را

۱۸. سعید بن جبیر از مفسران عالی قدر دوره تابعین است.
۱۹. جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۷۸؛ الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۱۲۹؛ المیزان، ج ۱۱، ص ۲۸۵.
- مکی بودن سوره با توجه به محتوا و پیام سوره - چنان که اشاره کردیم - روشن است و عالمانی از اهل سنت بر این نکته تأکید کرده اند؛ از جمله سید قطب (فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۰۳۹) عزت دروزه (التفسیر الحدیث، ج ۷، ص ۴۳). برخی روایات مکی بودن آن را استوارتر دانسته اند، ر. ک: فاضل بن عاشور، التحریر والتثویر، ج ۷، ص ۷۶. اما بسیاری برای این که دست کم تردیدشان در نزول آیه را درباره علی (ع) استوار بدانند، آن را مکی دانسته اند که برخی از آیاتش مدنی است، از جمله آیه ۴۳.
۲۰. احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۸۴؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۵۰.
۲۱. الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۲۹؛ فتح القدر، ج ۳، ص ۱۱۰؛ دلائل الصدق، ج ۲، ص ۱۳۵.
۲۲. تفسیر الحسبری، ص ۲۸۵ و ۴۹۰؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۲؛ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۳۰۶؛ نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۲۲.
۲۳. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۲۰؛ نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۲۳.
۲۴. منابع پیشین.
۲۵. المیزان، ج ۱۱، ص ۲۸۶.
۲۶. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۴.

یاد کنم<sup>۲۷</sup> [و از او نامی به میان آورم].

چنین است قصه پر غصه تاریخ برآمدن ها و فرو افتادن ها، برکشیدن ها و فرو هشت ها و ... پس سخن ابن عباس استوار است که گفت: مصداق «من عنده علم الكتاب» علی بن ابی طالب (ع) است و نه جز او؛ چون او است که تفسیر و تأویل، ناسخ و منسوخ و حلال و حرام این قرآن را می داند.<sup>۲۸</sup> گزیده سخن آن که علی (ع) به اقتضای این آیه، آگاه ترین و شناخته ترین کس به معارف قرآن است.

### آگاهی علی (ع) از قرآن به گزارش رسول الله (ص)

فرزند کعبه - که درود خدا بر او باد - هنوز خردسال بود که پیامبر (ص) او را به خانه اش برد و لحظه های زندگی را با لحظه های زندگی او درآمیخت. بدین سان آن بزرگوار، علی (ع) را در سایه سار آموزه های وحی برآورد و به گفته زیبای علی (ع): «هر روز از اخلاق نیکوی خود برای من رایتی برافراشت و مرا بر پیروی از آن برگماشت».<sup>۲۹</sup>

بدین گونه کلام چه کسی در برنمودن جایگاه والای علی (ع) و نمودن برتری ها و فضیلت ها و نشان دادن دانش و آگاهی های علی (ع) از سخن پیامبر (ص) استوارتر، گویاتر و افتخارآمیزتر است.<sup>۳۰</sup> محدثان آورده اند که پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: «به مردمان خاور و باختر، به عرب و عجم افتخار کن که تو گرامی ترین نیای را داری ... و در روی آوردن به اسلام پیشتاز هستی و آگاه ترین همگان به کتاب الهی ...».<sup>۳۱</sup> پیامبر (ص) بارها گستردگی دانش علی (ع) و آگاهی های ژرف آن بزرگوار را از ابعاد معارف قرآن در پیشدید مردمان مطرح کرده است تا همگان بدانند که برای دست یافتن به هدایت الهی باید به چه کسی مراجعه کنند. یکی از زیباترین و دلپذیرترین این گونه گفته ها کلام ذیل است. ام سلمه می گوید، پیامبر (ص) فرمود: **علی مع القرآن، و القرآن مع علی، لئن یفترقا حتی یردا علی الحوض؛** علی همگام قرآن، و قرآن همبیر علی است. این دو هرگز از هم جدا نشوند تا در واپسین روزگار در کنار حوض در پیش من حاضر شوند.<sup>۳۲</sup>

کلامی بلند است، با ابعادی عظیم: الف: علی با قرآن است؛ ب: قرآن با علی است. اکنون نیک بنگریم پیامبر (ص) با این تعبیر شکوهزاد چه جایگاهی را برای علی (ع) رقم زده است.

**الف. علی با قرآن است:**

۱. علی با قرآن است، یعنی علی (ع) برجسته ترین و ارجمندترین کسی است که بدان سان که شایسته است ابعاد قرآن را دریافته، حقایق آن را نیوشیده، بر آوازه های آن چیره گشته و به اعماق

جلیل آنها رسیده است و این همان حقیقتی است که تاکنون آوردیم و کلام علی (ع) را نیز که همگان برای پرسیدن از ابعاد قرآن از وی، دعوت می کرد، نقل کردیم، و بر آن همه بیفزاییم این نقل گر انقدر را که علی (ع) فرمود:

هر آیه ای که نازل می شد پیامبر (ص) شیوه قرائت آن را به من می آموخت. آن گاه املا می کرد و من می نوشتم. سپس تأویل، تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه آن را می آموزانید و دعا می کرد که آن حقایق را دریابم و حفظ کنم و من پس از آن هیچ گاه آنچه را که دریافتم، فراموش نکردم.<sup>۳۳</sup> داوری های صحابیان و مفسران آن روزگار را در این باره، پس از این خواهیم آورد.

۲. علی با قرآن است، یعنی علی (ع) استوارگام ترین مدافع قرآن است، که حراست از قداست قرآن و حفاظت از عظمت قرآن و رسالت جاودانگی قرآن را از جان سپر ساخت، و برای ماندن قرآن و دستخوش تحریف نگشتن آن، از هیچ کوششی دریغ نورزید. او قرآن را جمع کرد و تفسیر و تأویل آن را نگاهت، و چون دیگرسانی سیاسی را سیاستمداران آن روزگار دامن زدند

۲۷. تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۱۲۴؛ تهذیب التهلیب (حاشیه)، ج ۳، ص ۲۶۶.

۲۸. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۰۵؛ منابع الموقده، ج ۱، ص ۳۰۷.

۲۹. بخشی از کلام علی (ع) که بیشتر نقل کردیم.  
۳۰. رك: احقاق الحق، ج ۴. این مجلد از مجموعه عظیم احقاق الحق یکسر گزارشگر ویژگی ها و والای ها، اوصاف و چگونگی های شخصیت مولا است که از پیامبر (ص) گزارش شده است.

۳۱. احقاق الحق، ج ۴، ص ۳۳۱؛ سخنی است بلند که ما بخشی از آن را آوردیم، در ضمن این روایت آمده است که ... اقرهم لكتاب الله عزوجل، باید توجه داشت که واژه قرائت در آن روزگاران به دانش فهم کتاب الهی اطلاق می شده است. رك: مستدزید، ص ۳۴۳.

۳۲. طبرانی، المعجم الصغير، ج ۱، ص ۲۵۵؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۳۴؛ برای این حدیث با الفاظ و طرقی دیگر رك: الصوايق المحرقة، ص ۱۷۵؛ سیوطی، جامع الصغير، ج ۲، ص ۶۶؛ احقاق الحق، ج ۵، ص ۶۳۹؛ و منابع بسیار دیگر.

۳۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۸؛ ترجمة الاسام علی بن ابی طالب من تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۶۷ و نیز: ك: الكافی، ج ۱، ص ۶۴؛ النضال، ص ۲۵۷؛ کمال الدین، ص ۲۸۴؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۴؛ تحف العقول، ص ۱۹۶؛ کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۶۲۴. متنی را که نقل کردیم از شواهد التنزیل است. نقل هایی از منابع دیگر همان است با اندکی کاستی و افزونی.



دریغ نورزید و برای ابلاغ حق به کام جنگ رفت، در جهت تبیین درست و تطبیق استوار مفاهیم قرآن از هیچ کوششی باز نایستاد و برای تفسیر صحیح و دقیق آیات و جلوگیری از تحریف و وارونه سازی از مسیر تأویل در آیات الهی کوشید و در این راه تا فرورفتن در امواج جنگ پیش رفت.

۳. علی با قرآن است، یعنی علی (ع) در مسیر هدایت با قرآن است، قرآن نقشبند زندگی است و علی الگوی رفتاری و پیشوای اجرای آموزه های آن. قرآن حقایق هدایت آفرین دارد و علی (ع) بهترین هدایتگر به شاهراه هدایت است. قرآن حقیقتی استوار و مکتوبی است و حیانی، و علی (ع) مفسری است بی بدیل برای حقایق آن و روشنگری است بی نظیر برای معارف آن بدان سان که خود فرمود.

ابو عبدالرحمن سلمی می گوید: «من کسی را آگاه تر از علی (ع) به قرآن ندیدم، او همواره می گفت، از من بپرسید. به خدای سوگند درباره هر آنچه از قرآن بپرسید، پاسخ خواهم گفت». ۳۸  
ابن شبر می گفت:

«هیچ کس بر فراز منبر، کسی این سخن بر زبان نراند که: از قرآن هر آنچه خواهید پرسید، جز علی بن ابی طالب». ۳۹

۳۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷.

تلاش آغازین علی (ع) و یارانش در جهت شناساندن «حق خلافت» و «خلافت حق» و پس از آن سکوت و همراهی با سیاستمداران و گاه همدلی از بخش هایی تأمل برانگیز در سیره علوی است. گوا این که آن بزرگوار این شکیبایی و سکوت را بسی تلخ معرفی کرده و چونان «خار بر چشم» و «استخوان در گلو» انگاشته. اما تبیین و توضیح وی از چرایی و چگونگی آن نشان می دهد که آن بزرگوار وقتی مصالح عالی، حفظ ارزش ها و ایمانیات مردم به میان آمده تا چه سان کریمانه از فریاد برای احقاق حق خود و جوآفرینی برای رسیدن به مقاصد خود تن زده است. امام به صراحت «نوائین بودن مردمان»، «گسستن شیرازه امت»، «دگرگونی آموزه های قرآن»، «ریخته شدن خون مسلمانان» و «چیره گشتن کفر بر ذهنیت مردمان» را از جمله علل و انگیزه های سکوت و همراهی دانسته است؛ یعنی مظلومیت، انزوا، پذیرش گردنفرازی هر فرد دست سبکسر و تفرعن های فرعون مآبان، به بهای ماندگاری حق، سلامت قرآن و حفظ باورهای مردم... و در اینهاست که علی در درازنای تاریخ و همواره زمان تنهاست. برای آگاهی از نصوص بسیار آنچه یاد شد از جمله بنگرید به: موسوعة الامام علی فی الکتب والسنة والتاریخ، ذیل عنوان «دوافع بیعة الامام بعد امتناع».

۳۵. مستد احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۵۰۱؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۳۲؛ حلیة الاولیاء،

ج ۱، ص ۶۷؛ احقاق الحق، ج ۴، ص ۳۳۲؛ و منابع بسیار دیگر.

۳۶. الارشاد، ج ۱، ص ۱۲۳ و نیز ر. ک. به مقاله «توصیف قاعدیگری در پیش

تاریخی شیخ مفید» آینه پژوهش، سال پنجم، شماره ۱۸، ص ۱۶-۱۷.

۳۷. نهج البلاغه، خطبة ۱۲۲، ص ۱۷۹ چاپ صبحی صالح.

۳۸. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲.

۳۹. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۹۹؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۸.

و جامعه نوپای اسلامی دستخوش اضطراب گشت و بیم فروپاشی آن رفت، برای حراست از آموزه های قرآن سکوت را پیشه ساخت و به جمع و تدوین و تفسیر قرآن پرداخت و در برابر پرسش های بسیار گفت: «خشية ان یقلب القرآن»؛ «می ترسم قرآن دیگرگون شود و معارف آن تباه گردد».

این فداکاری شکوهمند و حراست از تمامت قرآن را در سیره علوی، پیامبر (ص) پیش بینی کرده بود. ابی سعید خدری روایت کرده است که نشسته بودیم و منتظر رسول خدا (ص) بودیم. پیامبر (ص) از یکی از خانه های زنانشان بیرون آمد. ما به پا خاستیم و همراه شدیم. پاشنه کفش پیامبر (ص) پاره شد، علی (ع) مانند تا آن را بدوزد. پیامبر (ص) حرکت کرد و ما هم همراه او به راه افتادیم. پس از آن ایستادند و منتظر علی (ع) شدند؛ ما هم با او ایستادیم. پس در این حال فرمودند: «در میان شما کسی است که برای تأویل قرآن نبرد می کند؛ همان سان که من برای تنزیل آن جنگیدم.» ما گردن کشیدیم. ابوبکر و عمر در میان ما بودند (یعنی با این حرکت وانمود کردیم که یکی از آن دو است). پیامبر (ص) فرمودند: «نه، کفشدوز است...». «حقیقتاً کفشدوز است». گفت: آمدیم و علی (ع) را بر این امر مژده دادیم؛ گویی که از پیش آن را شنیده بود. ۳۵  
شیخ مفید (رض) سخن پیامبر (ص) را بدین گونه گزارش کرده است:

«... او کفشدوز است. و با دست به علی (ع) اشاره کرد و فرمود: او درباره تأویل بجنگد آن گاه که سنت من رها شود و به یک سو افتد و معارف کتاب الهی وارونه گردد و در دین خدا آن کس که شایستگی ندارد سخن بگوید. پس در آن هنگام علی (ع) برای احیای دین خدا با آنان به نبرد خیزد. ۳۶  
علی (ع) نیز از این مسؤولیت عظیم و خطیر خود به هنگام رویارویی با خوارج بدین سان سخن گفت:

أما أصبحنا نقاتل اخواننا فی الاسلام علی ما دخل فیہ من الزیغ والاهوجاج والشبهة والتأویل؛ «لیکن امروز پیکار ما با برادران مسلمانی است که دودلی و کجبازی در اسلامشان راه یافته است و شبهت و تأویل با اعتقاد و یقین درآمیخته است. ۳۷»

این روایات به روشنی موضع مدافعانه علی (ع) را از ساحت قرآن نشان می دهد، و نشانگر آن است که علی (ع) چونان پیامبر (ص) که بر ابلاغ و گستراندن ابعاد وحی از هیچ کوششی

و نیز فرمود:

... ذلك القرآن، فاستنطقوه، ولن ينطق، ولكن اخبركم عنه: الا ان فيه علم ما يأتي والحديث عن الماضي ودواء دلائكم. و نظم ما بينكم ... فلو سألتموني عنه لعلمتكم. ۴۰

«آن (کتاب خدا) قرآن است، از آن بخواهید تا سخن بگوید و هرگز سخن نگوید؛ اما من شما را از آن خبر می‌دهم. بدانید در قرآن علم آینده و سخن از گذشته‌ها، در مان درد شما و راه سامان دادن کارتان در آن است ... که اگر از آن همه پرسید، شما را آگاه می‌کنم.»

این جایگاه بلند را برای علی (ع)، روایات بسیاری رقم زده است که ارجمندترین آنها، حدیث متواتر «ثقلین» است که به مقتضای آن علی (ع) و آل علی (ع) همواره با قرآن اند و در کنار قرآن و در جهت تبیین و تفسیر آن. و معارف مشعشع قرآن و آموزه‌های آفتابگون علی (ع) و فرزندانش، در جهت هدایت و سعادت انسان باید در همواره تاریخ دوشادوش هم حرکت کنند. حدیث یاد شده در یکی از طرق روایت آن چنین است:

قال النبي (ص): اني تارك فيكم الثقلين، ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدى، أحدهما أعظم من الآخر كتاب الله وعترتي. «من در میان شما دو چیز گرانبها می‌گذارم؛ تا آن گاه که از آن دو پیروی می‌کنید هرگز گمراه نخواهید شد. یکی از آن دو بزرگ‌تر از دیگری است: کتاب خداوند و عترت من. (۴۱) حقیقتاً موتور علوم»

بدین سان این بخش از کلام جاودانه پیامبر (ص) علی (ع) را در معبر تاریخ، مفسر، مدافع، مبین و همگام قرآن معرفی کرده و حجیت آموزه‌های آن بزرگوار را در تفسیر و تبیین کلام الهی در رواق تاریخ رقم زده است.

### ب. قرآن با علی است:

۱. قرآن با علی است، یعنی در هدایت آفرینی، سپیده‌گشایی راهنمایی انسان به مقصود والا و مقصد اعلی، قرآن همراه علی (ع) و همبر آن بزرگوار است. این حقیقت ارجمند، مضمون روایات بسیاری، از جمله حدیث «ثقلین» است که از آن سخن گفتیم.

۲. قرآن با علی است، یعنی قرآن همراه علی (ع) است در برکشیدن فضایل علی (ع)، نمودن رادمنشی‌ها و ارجمندی‌های او و گستراندن عظمت‌ها و الایه‌ایش. ابن عباس می‌گوید: «در باره هیچ کس به اندازه علی (ع) آیات الهی نازل نشده است.» ۴۲

در نقل دیگری از ابن عباس آمده است که: «سیصد آیه از قرآن درباره علی (ع) نازل شده است.» ۴۳

از مساجد نقل کرده‌اند که: «در باره علی (ع) هفتاد آیه نازل شد، که در آنها او را انبازی نیست.» ۴۴

و در نقل دیگری از ابن عباس آمده است:

«هر جا در آیات الهی «یا ایها الذین آمنوا» آمده علی (ع) امیر و شریف آن است. خداوند صحابیان پیامبر (ص) را عتاب کرده، اما علی (ع) را جز به نیکی یاد نکرده است.» ۴۵

آنچه آوردیم اندکی است از نقل‌های بسیاری که صحابیان و تابعان در این باره گزارش کرده‌اند. گسترده‌گی آیات راجع به علی (ع) محدثان و مفسران را بر آن داشته که آثاری را در این باره سامان دهند که از دیرینه‌ترین آثار نگاشته شده و بر جای مانده در میان میراث مکتوب اسلامی اند. ۴۶

۳. جایگاه قرآن، نقش آفرینی قرآن، ویژگی‌های قرآن، همانند علی، و علی همانند قرآن است. این وجه را نیز اندکی بیش‌تر می‌کاویم:

یک. قرآن «کتاب صامت» و علی «قرآن ناطق» است. مولا در کلامی فرموده‌اند: «انا القرآن الناطق.» ۴۷ در سخنی دیگر از وی آورده‌اند که فرمود: «انا کلام الله الناطق.» ۴۸

علامه مجلسی (رض) در توضیح آن نوشته‌اند:

بدان جهت که علی حامل دانش قرآن و دارنده اخلاق قرآن و تبلور عینی آموزه‌های قرآن است ... چرا که هر آن که ویژگی

۴۰. الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۶۱؛ نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۵۸، ص ۲۲۳؛ و نیز رک: ملاصدرا، شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۶؛ مراثی العقول، ج ۱، ص ۲۰۸؛ فی ظلال نهج البلاغه، ج ۳، ص ۴۱۹.

۴۱. رک: نفعات الازهار، تعریب و تلخیص کتاب شکوهمند و بی‌بدیل هیقات الانوار، مجلدات ۱-۲؛ احقاق الحق، ج ۴، ص ۴۳۶ و موارد دیگر آن در مجلدات بیستگانه.

۴۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۲؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۲۷.

۴۳. الصواعق المحرقة، ص ۱۲۷؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۴۰۶.

۴۴. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۲؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۱۴.

۴۵. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۶۴-۶۹؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۱۲.

۴۶. بنگرید به مقدمه عالمانه تفسیر الحیبری، ص ۱۳۸ به بعد به ویژه شماره‌های ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۵ و ... یادآوری می‌کنم که در تحلیل و تفسیر روایت مورد گفتگو از این کتاب بهره برده‌ام و شماره‌های یاد شده، کتاب‌هایی است که نزول آیات را درباره علی (ع) گزارش کرده‌اند. اما آثار بسیاری را که درباره اهل بیت (ع) تدوین یافته، در فهرست یاد شده و نیز در سلسله مقالات ارجمند و پژوهشگرانه فقید علم و تحقیق، زنده‌یاد، سید عبدالعزیز طباطبایی در شماره‌های مختلف مجله تراثنا موجود است.

۴۷. ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۱۴.

۴۸. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۹.



است، و برای بازشناسی بایستگی‌ها از نابایستگی‌ها کلام الله سخن «فصل» است. ۵۳ علی (ع) نیز «فرقان» است و کلامش، سخن «فصل» و سیره اش جداکننده حق از باطل و گفتار و رفتارش بیانگر معیارها و ملاک‌های شناخت و شناسایی حق از باطل.

این ویژگی برای علی (ع) در روایات بسیاری از پیامبر (ص) گزارش شده است، از جمله پیامبر (ص) فرموده‌اند:

به زودی پس از من فتنه سر بر خواهد آورد، در چنین هنگامه ای همراه علی بن ابی طالب باشید بی گمان او اولین کسی که مرا خواهد دید، و اولین کسی که در قیامت دست در دست من خواهد نهاد. او «صدیق اکبر» و «فاروق» این امت است که حق را از باطل باز می شناساند. او پیشوا و راهبر مؤمنان و مال و دنیا را هب منافقان است. ۵۴

عبدالرحمن بن سمره می گوید، به پیامبر (ص) گفتم: «مرا برای دستیابی به نجات راهنمایی کن.» پیامبر (ص) فرمود:

هان! پسر سمره آن گاه که آهنگ‌ها گونه گون شود و اندیشه‌ها پراکنده گردد، تو همراه و همبیر علی بن ابی طالب باش؛ که او پیشوای امت من، و خلیفه آنان بعد از من است. و او است «فاروق» که سره را از ناسره و حق را از باطل جدا کرده، می شناساند. آن که پرسد او را پاسخ خواهد داد و آن که راه جوید، او را هدایت خواهد کرد آن که جویای حق است بداند که حق نزد او است و آن که هدایت را جستجوگر است، بداند که هدایت را در علی خواهد یافت. ۵۵

۴۹. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۹. شایسته است اکنون که سخن از علی (ع) می‌رود بر این حقیقت تأکید شود که «امام» وجود عینی کتاب الله است. روانشاد دکتر علی شریعتی، در اثر زیبا و دیده‌گشا بنده اش «تحلیلی از مناسک حج»، ضمن توضیح و تبیین جایگاه «حج» در فرهنگ اسلامی و این که حج در قالب مجموعه‌ای از حرکت‌ها جلوه تمامت اسلام و قرآن است در حرکت، می‌نویسد: «حج تمامی اسلام است؛ اسلام با کلمات قرآن است، و با انسان‌ها، امام، و با حرکات، حج. (تحلیلی از مناسک حج، ص ۳۱، چاپ یازدهم، ۱۳۷۸)

۵۰. هیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۱؛ بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۲۶۱.

۵۱. نهج البلاغه، خ ۱۲۵.

۵۲. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۹۷.

۵۳. از «فرقان» به عنوان یکی از اوصاف قرآن در مقالاتی به تفصیل سخن گفته‌ام. نگاه کنید به: فصلنامه فرهنگ جهاد، ش ۳، ص ۲۴-۹. یادآوری کنم که واژه «فرقان» هفت بار در قرآن کریم آمده است که در برخی از آن موارد مراد قرآن است؛ از جمله در آیه ۱، سوره فرقان، ۱۸۵ سوره بقره، آ ۳، آل عمران و ...

۵۴. المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۲۶۹؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۱؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۰۷؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۲۶۵؛ الاصابه، ج ۷، ص ۲۹۴؛ الامالی للطوسی، ص ۲۵۰؛ رجال الکشی، ج ۱، ص ۱۱۴.

۵۵. الامالی للصدوق، ص ۷۸؛ کمال الدین، ص ۲۵۷؛ روضة الواعظین، ص ۱۱۳.

عمل در او به کمال رسد و حالتی در او به اوج آن فراز آید، به واقع تبلور آن ویژگی و حالت و تجسد متجسد آن است. ۴۹

روشن است که این ویژگی فراتر از آن است که گفته‌اید علی (ع) مبین و مفسر قرآن و نمایاننده حقایق آن است، که این ویژگی فراوان در وصف مولا آمده است، از جمله حضرت رضا (ع) در پاسخ سؤال مأمون از بنیادهای دین و محض اسلام فرموده‌اند: «راهنمای مردمان و حجت بر مؤمنان ... و سخنگوی قرآن پس از پیامبر (ص) علی (ع) است ...» ۵۰

سخنان بدان سان که آوردیم نشان گر این است که علی (ع) تبلور عینی آموزه قرآن، و کلامش برترین و استوارترین و شامل‌ترین ترجمان قرآن است. مولا در کلامی فرموده‌اند:

و هذا القرآن انما هو خط مستور بين الدفتين لا ينطق بلسان ولا بد له من ترجمان؛ این قرآن که پیش روی ما است، خطی است نوشته شده که از دو طرف در میان دو جلد قرار گرفته است و این خطوط نوشته شده زبانی ندارد که سخن بگوید و چاره‌ای جز این نیست که باید مفسر و ترجمانی باشد که قرآن را تفسیر کند و توضیح بدهد ... ۵۱

و در کلامی بلند فرمودند:

هان مردم! دانش به سرعت دامن برمی‌چیند. به زودی مرا از دست خواهید داد، پس از من برسید، و بدانید که هرگز از هیچ آیتی نخواهید پرسید جز آن که حقایق آن را برخواهم نمود. بی گمان شما یاران هرگز کسی که چنان من پس از من که بدین سان از قرآن سخن گوید، نخواهید یافت. ۵۲

اندهو! که در آن روزگاران هوشمندانی دردمند نبودند که از آن سرچشمه فیاض حقایق را بخواهند، و برای بر نمودن زرفای ناپیدایی قرآن و گستره ناپیدا کرانه آن از علی برسند، و او پاسخ گوید و انبوه حقایق در میان نهد؛ و اندکی از آن گونه کسان که بودند و در حد مجال حقایق را برگرفتند، مجال گستراندن نیافتند و آنچه را که گفتند حاکمیت‌ها بر تابیدند، و از رسیدن به عصرها و نسل‌ها جلو گرفتند.

دو. کتاب الله فرقان است و علی نیز. از جمله صفاتی که خداوند در قرآن کریم با آن «کتاب الله» راستوده است، عنوان «فرقان» است. در چرایی این وصف مفسران و قرآن پژوهان کمابیش سخن گفته‌اند؛ از جمله بر این نکته تأکید کرده‌اند که قرآن را خداوند از آن روی «فرقان» نامید که جداکننده حق از باطل و سره از ناسره



ابورافع می گوید به هنگام تبعید اباذر به ریزه رفتن. چون آهنگ وداع کردم به من و کسانی که در آن جا بودند، گفت: به زودی فتنه ای سر بر خواهد آورد، تقوا پیشه کنید و با بزرگ این روزگار علی بن ابی طالب باشید و از او پیروی کنید؛ از پیامبر (ص) شنیدم که بدو فرمود:

به زودی پشیمان خواهند شد، که مرا از دست خواهند داد. ۶۱  
یعنی آن گاه که به جستجو برخیزند و کسانی را در نیابند که پرسش ها را پاسخ گوید، پشیمان خواهند شد که چرا به روزگاری که در محضرش بودند، بهره نبردند و راه های دستیابی به دانش انبوه را فراموش کردند.  
در مقامی دیگر مولا (ع) فرمود:

در سینه من دانشی است انباشته که پیامبر (ص) آن را به من آموزانده است. اگر فراگیری می یافتم که به درستی حق آن را می گزارند، و بدان گونه که از من شنیده بودند گزارش می کردند، اندکی از آن را بدان ها می سپردم، بدین سان به دانشی عظیم دست می یافتند و ... ۶۲

باری، قرآن بیانگر حقایق مکتوم و رازهای ناپیدا، و دانش های انبوهی است که اندیشه بشر از دستیابی بدان ها کوتاه است. چنین است علی (ع) که دانش او گسترده است و فراگیرنده تمام ابعاد هستی و بیان کننده تمام حقایق نهفته و دست نیافتنی.  
چهار. قرآن «حق» است و علی تبلور عینی «حق». خداوند سبحان «کتاب الهی» را از جمله با وصف «حق» یاد کرده است: انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک الله؛ «ما این کتاب را به راستی (=حق) بر تو نازل کردیم تا بدان سان که خدا به تو آموخته است، میان مردم داوری کنی. ۶۳

تو اولین کسی هستی که به من ایمان آوردی و اولین کسی خواهی بود که در قیامت دست در دست من خواهی نهاد. تو «صدیق اکبر» و «فاروق امت» هستی که حق را از باطل جدا خواهی کرد ... ۵۶  
بدین سان علی جلوه حق و حق مداری است و سیره و معارف و آموزه هایش تجسم عینی حق و مالا بهترین و کارآمدترین عامل شناخت و بازشناسی حق از باطل است و بدین گونه همگون قرآن و همراه آن در حق نمایی و باطل زدایی است.  
سه. قرآن بیانگر حقایق است و علی نیز. خداوند در قرآن کریم، کتابش را «تبیان لکل شیء» یاد کرده است: ... و نزلنا هلیک الكتاب تبیاناً لکل شیء ...

می دانیم که مفسران از کهن ترین روزگاران تا معاصران در چندی و چونی «تبیان» بودن قرآن کریم بر یک داستان نبوده اند، و در حد و حدود آن به تفصیل سخن گفته، آرای گونه گونه عرضه کرده اند. با این همه نمی توان در این که قرآن مشتمل است بر بیان هر آنچه به گونه ای بر هدایت انسان به مقصود و الا و مقصد اعلی و سعادت دلالت می کند، تردید کرد. ۵۷ بدین سان دست کم این را باید پذیرفت که «تبیان» بودن قرآن در تفصیل احکام و بر نمودن حقایق هستی و گشودن راز و رمز حیات، قطعی است. ۵۸

چنین است جایگاه مولا در معارف دین، شناخت و شناساندن حقایق قرآن و آموزه های اسلام و گشودن راز و رمز حیات و بر نمودن ناپیداهای هستی و ... اصیغ بن نباته می گوید مولا در ضمن خطابه، خطاب به مردم فرمود: «... هان مردم، پیش از آن که مرا از دست دهید، از من پرسید. پرسید که دانش پیشینیان و پسینیان نزد من است ...» ۵۹

این گونه سخن را آن امام بزرگوار ما فراوان بر زبان رانده است و از مردمان همی خواسته از حقایق دین و قرآن و هستی از او پرسند. پیش تر برخی از آن نصوص را آوردیم، و اکنون از سعید بن مسیب نقل می کنیم که گفت: «هیچ کس و هرگز سلونی بر زبان تو نراند، جز علی بن ابی طالب. ۶۰»

او فرزند وحی بود و جانش سرشار از آگاهی های علوی، و قلبش آکنده از حقایق ناپیدا کرانه. اندوها! که در آن روزگاران، کسانی که ظرفیت یافتن و برتابیدن این همه را داشته باشند، نبود. چنین بود که دردمندانه فرمود: «بی گمان در این جا [و به سینه خود اشارت فرمود] دانشی است انباشته، اما جویندگان آن بسی اندکند؛

۵۶. شرح الاخبار، ج ۲، ص ۲۷۸؛ ذخائر المعنی، ص ۱۱۰۸؛ رجال الکلی، ج ۱، ص ۱۱۳. روایت های بسیار این وصف ارجمند و ویژگی والا را بنگرید در مجلدات متعدد احقاق الحق، از جمله ج ۴، ص ۲۶، ۳۴۶؛ ج ۱۵، ص ۱۹۸-۳۰۸؛ ج ۲۰، ص ۳۴۰ و ۴۴۸ و ... که مستند است به منابع بسیاری از اهل سنت. ر. ک: فهرست ملاحقات احقاق الحق، ج ۳، ص ۳۳.  
۵۷. این بنده در ضمن بحث از اوصاف قرآن به تفسیر و تبیین این واژه پرداخته ام و در حد مجال و توان درباره آن سخن گفته ام و آرای مفسران را به تفصیل در این باره گزارش کرده ام که امیدوارم خداوند توفیق نشرش را عطا کند. شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۲۸؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۲؛ المناقب للکوفی، ج ۱، ص ۲۸۴.  
۵۸. اکنون از جمله بنگرید به مقاله «جامعیت دین» در «مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی»، مجلد ۱۰، ص ۱۵۴ به بعد.  
۵۹. الارشاد، ج ۱، ص ۳۵؛ التوحید، ص ۳۰۴؛ الاختصاص، ص ۲۳۵.  
۶۰. الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۰۶.  
۶۱. حلال الشرایع، ص ۴۰؛ هیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰۵.  
۶۲. الاختصاص، ص ۲۸۳؛ الخصال، ص ۶۴۵.  
۶۳. سوره نساء، آیه ۱۰۵.



پیامبر (ص) بارها از آن سخن گفته بود، و از همراهی عمار با حق نیز یاد کرده بود، و این همراهی با «حق» هیچ مصداقی جز همگامی با «علی» نداشت، که به نقل ابن مسعود، پیامبر فرمود: «چون مردم درگیر شوند و اختلاف کنند، بی گمان عمار با حق خواهد بود.»<sup>۶۷</sup> سخن به تفصیل گرایید، دامن سخن بر چینم و به آنچه در آغاز آوردیم تأکید کنیم که قرآن «حق» است و علی نیز؛ آموزه های قرآن آینه تمام نمای «حق» است و سیره و معارف علوی نیز.

**پنج. قرآن گواه رسالت و علی نیز.** قرآن کریم معجزه جاویدان پیامبر (ص) و گواه صدق دعوت او، و شاهد رسالت نبوی است. این حقیقت روشن تر از آن است که اکنون و در این مجال اندک که سخن آهنگ دیگری دارد، بدان پردازم؛ اما بر پایه سیاق سخن و موضوعی که در پیش داریم بر این نکته تصریح و تأکید کنیم که قرآن کریم به صراحت علی (ع) را گواه رسالت، و مآلاً «معجزه» نبوی، و فرایند ماندناپذیر آموزه های قرآنی تلقی می کند: «وقول الذین کفرو لست مرسلأ قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم و من عنده علم الكتاب.» (سوره رعد، آیه ۴۳)

پیش تر - و در همین مقاله - از این آیه سخن گفتیم و از زاویه ای دیگر درباره آیه و به تناسب آن از سوره ای که این آیه در آن قرار دارد و نیز آهنگ کلی سوره و مآلاً جهت گیری این آیه الهی بحث کردیم و - به بندهارم - روشن شد، که مراد از «کتاب» قرآن کریم و از «من عنده» کسی مراد است که گواه رسالت پیامبر (ص) و چگونگی صدق مدعی آن بزرگوار خواهد بود. اکنون مجال بسط سخن از چگونگی گواه بودن مولا بر رسالت پیامبر (ص) نیست. اما از این کلام ارجمند محمد بن عمر و اقدی مورخ بلند آوازه قرن دوم هجری نمی توان گذشت که می گفت:

علی بن ابی طالب از معجزه های پیامبر (ص) بود؛ چونان عصا برای موسی (ص) و زنده کردن مردگان برای عیسی بن مریم (ص).<sup>۶۹</sup>

آنچه آوردیم اندکی از بسیار، از نصوص، روایات و کلمات پیامبر (ص) است که در برنمودن بُعدی از ابعاد شخصیت علی (ع) یعنی همراهی، همگونی و همبری مولا با قرآن نقل شده

۶۴. سوره سجده، آیه ۳.

۶۵. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۷.

۶۶. الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۳۰.

۶۷. شرح ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۹۸.

۶۸. برخی از نکات لازم در تفسیر آیه را پیش تر آوردیم. برای آگاهی از چگونگی گواه بودن علی (ع) برای رسالت پیامبر (ص) بنگرید به: «خلافت و ولایت از دیدگاه قرآن و سنت»، و نیز از «چشمه کویر» از استاد محمدتقی شریعتی که به نیکویی و استواری این بحث را سامان داده اند.

۶۹. الفهرست، تحقیق رضا تجدد، ص ۱۱.

أم یقولون افتریه بل هو الحق من ربک لتندر قوما ما آتهم من نذیر من قبلک لعلهم تهتدون<sup>۶۴</sup>؛ «آیا می گویند آن را بر ساخته است؟ [نه] بلکه آن حق [و] از سوی پروردگار آمده است، تا قومی را که هشدار دهنده ای پیش از تو به نزد آنان نیامده است، هشدار دهی. باشد که آنان راه یابند.»

علی نیز همبر حق و حق همراه علی است؛ بلکه تجسم عینی «حق» و «محقق» است. پیامبر (ص) در بیانی ارجمند که فضیلتی است بی مانند برای علی (ع) فرمود:

الحق مع علی، و علی مع الحق یدور الحق مع علی کیف مادار؛ «حق با علی است و علی با حق است. حق با علی می گردد بدان سان که علی بگردد.»

بدین سان علی جلوه حق است، و سیره او معیار حق، که یعنی علی تجسم عینی حق است و محض حق. ذیل روایت را بنگرید که فرمود: «و یدور الحق مع علی کیف مادار.»

چنین است که پیامبر (ص) چون آهنگ ستودن عمار بن یاسر را داشت، فرمود: «ان عماراً مع الحق و الحق معه، یدور عمار مع الحق اینما دار و قاتل عمار فی النار؛ عمار با حق است و حق با عمار، عمار بدان گونه که حق بگردد، می گردد و قاتل عمار در آتش خواهد بود.»<sup>۶۵</sup>

حق هر جا باشد عمار آن جا است، و هر موضعی که حق مدارانه باشد عمار آن جا خواهد بود، روشن است که عمار جانی منور، رفتاری پیراسته و قلبی منزّه و اندیشه ای پاک داشت با این همه پیامبر (ص) در ستایش او بر «حق مداری» او تأکید کرده است؛ اما در ستایش مولا چرخش «حق» بر مدار «علی» را. به واقع کلام پیامبر (ص) بیانگر این است که علی جلوه حق، تجسم عینی حق و نماد حق است. این حقیقت بزرگ و آموزش ارجمند را صحابیان و کسان بسیاری که در آن روزگاران زندگی می کردند و حقایق را بی واسطه و یا با واسطه از پیامبر (ص) شنیده بودند، سخت باور داشتند:

حذیفه بن یمان در حال احتضار بود. سخن از «فتنه» رفت. ابو مسعود و گروهی به حذیفه گفتند: آن گاه که مردم اختلاف کردند و سخن ها و راه ها گونه گون شد، همراهی با چه کسی را سفارش می کنی؟ گفت: «همگام فرزند سمیه باشید که او هرگز از حق جدا نخواهد شد.»<sup>۶۶</sup>

سخن از رویارویی مسلمانان در جریان های «فتنه» است که

است. به واقع این همه - که اندکی از بسیار آن را آوردیم - تفسیری است برای جمله «علی مع القرآن والقرآن مع علی» و جدایی ناپذیر این دو راهبر و حق نمای الهی، که در برخی از نقل ها جمله یاد شده از پیامبر (ص) بدین گونه گزارش شده است:

علی مع القرآن والقرآن مع علی، لایفترقان حتی یردا علیّ العوض فاسألوهما ما اختلفتم فیها.

علی با قرآن است و قرآن با علی است. این دو از هم جدا نخواهند شد تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند؛ پس به هنگام اختلاف درباره آنها از آن دو بپرسید.

که یعنی قرآن بیانگر چهره حقیقی علی و شخصیت علی است، و علی مفسر بی بدیل و حق نمای قرآن و ...

### آگاهی علی (ع) از قرآن به گزارش صحابیان و ...

جایگاه والای علی (ع) در شناخت قرآن و آگاهی گسترده آن بزرگوار از معارف کتاب الهی، آن چنان شهره روزگار بود که هیچ گونه انکاری را بر نمی تابید. صحابیان و تابعیان و مفسران از این حقیقت با عباراتی گویا و هیجان بار سخن گفته اند و این جایگاه رفیع را به گونه های مختلف ستوده اند. ابن عباس می گفت: «آنچه را علی (ع) می گفت، فرا گرفتم؛ آن گاه در اندوخته ها و آموخته های خود اندیشیدم و دریافتم که دانش من به قرآن در سنجش با دانش علی (ع) چونان برکه ای است خرد در برابر دریایی موج خیز».<sup>۷۰</sup>

عمر بن خطاب می گفت: «علی بن ابی طالب (ع) از همه ما به معارف قرآن آگاه تر بود».<sup>۷۱</sup>

از عبدالله بن مسعود نقل کرده اند که می گفت: «در میان اهل مدینه، علی (ع) آگاه ترینشان بود به قرآن».<sup>۷۲</sup>

عبدالله بن عمر، نیز علی (ع) را آگاه ترین کسان به قرآن می دانست.<sup>۷۳</sup> عایشه نیز علی (ع) را آگاه ترین اصحاب رسول الله به قرآن معرفی می کرد.<sup>۷۴</sup> ابو عبد الرحمن سلمی می گفت: من هیچ کس را به معارف قرآن از علی (ع) آگاه تر نیافتم<sup>۷۵</sup> و چون از عطاء بن ابی رباح سؤال کرده اند که دانای تر از علی (ع) را در میان اصحاب پیامبر (ص) می شناسی، گفت: نه، به خدا سوگند.<sup>۷۶</sup> و ابن شبرمه می گفت: من ندیدم کسی را بر منبر فراز آید و استوار از همگان بخواهد، که هر آنچه می خواهند از کتاب الله سؤال کنند، جز علی (ع).<sup>۷۷</sup> عامر شعبی نیز می گفت: بعد از پیامبر (ص) آگاه تر از علی (ع) به آنچه در میان این دو لوح است (قرآن) نیافتم.<sup>۷۸</sup>

ابن ابی الحدید در آغاز شرح نهج البلاغه بیانی دارد ارجمند در جایگاه والای علی (ع) در علوم اسلامی. او با عباراتی شورانگیز

خاستگاه تمامی دانش های اسلامی را آن بزرگوار می داند و درباره تفسیر می گوید:

دانش تفسیر از او سرچشمه گرفته و از تعالیم او دامن گشوده است. اگر به کتاب های تفسیر مراجعه کنی استواری این سخن را درمی یابی، چرا که بیش ترین نقل ها در تفسیر از اوست و از عبدالله بن عباس، و همسویی و همگامی ابن عباس با علی (ع) و فراگیری دانش از او برای همگان روشن است. بدان سان که به ابن عباس گفتند: دانش تو در برابر دانش پسر عمویت چگونه است؟ گفت: مانند قطره ای از باران در برابر دریایی موج خیز و فراگیر!<sup>۷۹</sup> محمد بن طلحه شافعی می گوید:

پیشوایی ابن عباس در تفسیر میان امت شهره است. او پیشتاز دانش تفسیر است که همگان در سخن از پیشوایی و پیشتازی در دانش تفسیر بدو اشاره می کنند، و روشن است که ابن عباس شاگرد علی و پیرو او است و تفسیر را از او گرفته و از علی (ع) بهره ها برده است.<sup>۸۰</sup>

اینها نیز اندکی بود از داوری ها بسیاری که در لابه لای صفحات کتاب های شرح حال نگاری و حدیث و تفسیری پراکنده است. بدین سان علی (ع) آگاه ترین، بلندجایگاه ترین و

۷۰. النهایه، ج ۱، ص ۲۱۲؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۱۴؛ قاموس الرجال، ج ۶، ص ۴۴۸.
۷۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۵.
۷۲. همان، ص ۳۴.
۷۳. همان، ص ۳۹.
۷۴. همان، ص ۴۷.
۷۵. همان، ص ۳۴.
۷۶. همان، ص ۵۰؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۴۰. عطاء از مفسران تابعی و از چهره های برجسته تفسیر و اهل مکه است. وفيات الاحیاء، ج ۱، ص ۳۱۸.
۷۷. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۰؛ عبدالله بن شبرمه، از فقیهان تابعی کوفه است، تهذیب الکمال، ج ۱۵، ص ۷۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۳۴۷.
۷۸. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۹؛ وفيات الاحیاء، ج ۳، ص ۱۲؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۲۲۷ و ...
۷۹. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۹.
۸۰. مطالب السؤل، ج ۱، ص ۱۳۵. سخن ابن عباس را درباره بهره گیری از علی (ع) و بزرگداری های او و ستایش هایش از علی (ع) را در همین مقاله آورده ایم.



آموزه‌های آن بهره گرفت، گره‌ها را با هدایت آن گشود، از تنگناها با راهنمایی‌های آن رهید و با بصیرت و آگاهی از قرآن پرسید و پاسخ گرفت. به بیان مولا بنگرید: ذلک القرآن فاستنطقوه ولن ينطق...؛ آن، کتاب خدا، قرآن است، از آن بخواید تا سخن بگوید، و هرگز نگوید...<sup>۸۳</sup>

ارجمندترین صحابی و مفسر بی بدیل قرآن است.

کلام عظیمی است و سخنی هدایت‌آفرین. آیت الله شهید سید محمدباقر صدر، نکته لطیفی را از این کلام برکشیده‌اند:

تعبیر «استنطاق» (به سخن درآوردن) که در کلام امام (ع)، فرزند راستین قرآن آمده، لطیف‌ترین تعبیر از «تفسیر موضوعی» است که با عنوان گفت و گو با قرآن و طرح مشکلات مربوط به هر موضوع، به قصد دستیابی به پاسخ قرآن، از آن یاد شده است.<sup>۸۴</sup>

آنچه علی (ع) درباره جایگاه قرآن و چگونگی آن گفته‌اند، و تبیین و تفسیری که از ابعاد آن به دست داده‌اند، فراتر از آن است که در این سطور اندک بگنجد. با کلامی زیبا و ارجمند این بخش را به پایان می‌برم.

«... فهو معدن الايمان وبحبوته، وينابيع العلم وبحوره، ورياض العدل و غدرائه، واثافي الاسلام وبنیانه و اودية الحق و غیطانه، و بحر لا یتزفه المستزفون، و عیون لا ینضیها الماتحون و مناهل لا یغیضها الواردون، و منازل لا یضل نهجها المسافرون و اعلام لا یعمی عنها السائرون و آکام لا یجوز عنها القاصدون...»  
«این قرآن معدن ایمان است و مرکز آن، و چشمه سار دانش است و دریا‌های آن، و باغستان داد است و برکه‌ها و آبگیرهای آن، و سنگ‌های زیرین بنای اسلام و پایه‌هایی آن، و وادی‌های حقیقت است و سبزه زارهای آن. دریایی است که برداردندگان آب آن، را خشک نگرداند؛ چشمه سارهایی است که هر چه از آن برگیرند، فرو نخشد؛ آبشخورهایی است که درآیندگان، آب آن را نگاهند؛ نزل گاه‌هایی است که مسافران راهش را گم نکنند؛ نشانه‌هایی است که روندگان به روشنی آنها را می‌بینند؛ پشته‌هایی است که روندگان از آن نگذرند و آن را نگذارند.»<sup>۸۵</sup>

۸۱. نهج البلاغه، خ ۱۱۰.

۸۲. همان، خ ۱۷۶.

۸۳. همان، خ ۱۵۸.

۸۴. مقدمات فی التفسیر الموضوعی، ص ۲۰؛ سنت‌های تاریخ در قرآن، ص ۹۴.

۸۵. نهج البلاغه، خ ۱۹۸. در این باره رجوع کنید به: تصنیف نهج البلاغه،

بهج الصبایفه فی شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۳۲؛ از دیروز تا امروز

(مجموعه مقالات استاد سید جعفر شهیدی)، ص ۵۳؛ مقاله «قرآن

صامت از زبان قرآن ناطق»، فرهنگ آفتاب (فرهنگ تفصیلی مفاهیم

نهج البلاغه) ج ۸، ص ۴۱۰۶ که مجموعه آنچه را که در نهج البلاغه درباره

این موضوع آمده است، یک جا آورده‌اند.

### قرآن در نگاه علی (ع)

وصف‌ها، بزرگداری‌ها، تبیین‌ها و توضیح‌های علی (ع) از قرآن و درباره قرآن بس شکوهمند است و دلنواز. گاهی کلام علوی در پرده برگیری از رازها و رمزها و عظمت‌های قرآن چنان اوج می‌گیرد و فراز می‌آید که انسان بی اختیار در برابر اوج بیان رشک برانگیز علوی سر تعظیم فرود می‌آورد.

قرآن در نگاه علی (ع) بهار دل‌ها است که باید با آموزه‌های آن جان و دل را طراوت بخشید و شفای دردهاست که باید با رهنمودهای آن، از زشتی‌ها و ناروایی‌ها رهایی جست و دردهای نفاق، کفر، کژاندیشی و کژرفتاری را از صفحه جان و صفحه رفتاری زدود: آن بزرگوار فرمود:

تعلموا القرآن فإنه احسن الحديث وتفقهوا فيه فإنه ربيع القلوب واستشفوا بنوره فإنه شفاء الصدور.<sup>۸۱</sup>

قرآن را بیاموزید که نیکوترین گفتار است، و در آن ژرف بیندیشید که آن بهار دل‌ها است و از پرتو هدایتش طلب شفای کنید، زیرا که شفا دهنده سینه‌ها [ی درآورد] است. و فرمود:

«بدانید کسی را که با قرآن است نیازی نباشد، و بی قرآن بی نیاز نباشد. پس بهبودی خود را از قرآن بخواید و در سختی‌ها از آن مدد جوید. زیرا در قرآن شفای بزرگ‌ترین دردها یعنی کفر و نفاق و تباهی و گمراهی است.»<sup>۸۲</sup>

در آن روزگار که روزگار اوج بیان و سخن بود، قرآن در جامه‌ای بدان سان زیبا و دلربا عرضه شد که همگان را به ستایش واداشت. علی (ع) از این زیبایی شگفت‌سخن می‌گوید و قرآن مداران و جستجوگران حقایق الهی را به ژرف‌نگری در اعماق جلیل آن فرامی‌خواند و همی بدان‌ها نشان می‌دهد که قرآن بسی ژرف است و ناپیدا کرانه:

ان القرآن ظاهره انيق و باطنه عمیق، لا تفتنی عجائبه و لا تنفضی غرابه و لا تكشف الظلمات الا به.

به راستی که قرآن ظاهری زیبا و باطنی ژرف و بی پایان دارد. شگفتی‌هایش پایان‌نپذیرد و ناشناخته‌هایش سپری‌نگردد و جز با فروغ آن تاریکی‌ها زدوده نشود.

این همه را باید از قرآن آموخت، در محضر آن نشست، از

علی (ع) با تصویرهایی بدین سان زیبا و تبیین‌هایی گویا از قرآن، دل‌ها را از عشق به آن می‌آکند و همگان را به چنگ زدن در این ریسمان الهی فرامی‌خواند.

### تفسیر علی (ع)

قرآن نازل می‌شد و آیات آن افزون بر حفظ در سینه‌ها، در نوشت افزارها ثبت و ضبط می‌گشت. پیامبر (ص) در کار نوشتن وحی سعی بلیغی داشت و همگان را به کار خواندن و نوشتن تشویق می‌کرد، اما افراد خاصی مأموریت داشتند که آیات الهی را بنگارند. این افراد در تاریخ به کاتبان وحی شهره شدند. علی (ع) برجسته‌ترین و آگاه‌ترین آنها بود و پیش‌تر آوردیم که آن بزرگوار می‌گفت:

چون آیات الهی نازل می‌شد، پیامبر مرا نزد خود می‌خواند و به من آیات الهی را املا می‌کرد و تفسیر و تأویل محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ... آیات را به من می‌آموزاند و من همه را می‌نگاشتم.

بدین سان آنچه علی (ع) می‌نگاشت، افزون بر آیات الهی و نص قرآن کریم و آمیخته به تفسیرها، تأویل‌ها، توضیح‌ها و... بود و به نگاه دقیق، این نگاشته اولین تفسیر مکتوبی است که در تاریخ اسلام رقم خورده است. علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین نوشته‌اند:

علی (ع) پس از رحلت پیامبر (ص) قرآن را براساس نزول جمع کرد<sup>۸۶</sup> و در آن به عام و خاص، مطلق و مقید، محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ آیات اشاره کرد و اسباب نزول آیات را گزارش کرد و برخی از مواردی را که فهم آن دشوار بود توضیح داد... بدین سان آنچه آن بزرگوار گرد آوردند، به تفسیر قرآن مانندتر بود.<sup>۸۷</sup>

بدین گونه روشن می‌شود که اشاره برخی از پیشینیان به مصحف علی (ع) و تأکید بر آکنده بودن آن از دانش‌های گونه‌گون، این نگاشته بوده است با تمام ویژگی‌های یادشده آن.

ابن سیرین می‌گوید: «آن را از مدینه خواستم و بدان دست نیافتم. اگر آن کتاب فراچنگ می‌آمد، بی‌گمان دانش بسیار در آن یافت می‌شد.»<sup>۸۸</sup>

محمد بن مسلم زهری می‌گوید: «اگر مصحف علی (ع) پیدا می‌شد، سودمندترین مصحف‌ها می‌بود و سرشار از دانش.»<sup>۸۹</sup> روشن است که سرشار از دانش بودن، و سودمندترین مصحف‌ها بودن، جز این نیست که افزون بر نص قرآن کریم، دارای فواید و حقایق دیگری بوده است. معلم امت، شیخ مفید (ره) نوشته‌اند: «مصحف علی (ع) براساس نزول سامان

یافته بود؛ مکی بر مدنی و منسوخ بر ناسخ مقدم بود و هر آیه‌ای به لحاظ نزول در جای خود قرار داشت.»<sup>۹۰</sup>

ابن شهر آشوب آن را آغازین تألیف در تاریخ اسلام می‌داند.<sup>۹۱</sup> محقق رجالی سید محسن اعرجی (ره) می‌نویسد: «مراد ابن شهر آشوب آن است که در مصحف امام (ع) به ثبت نص قرآن بسنده نشده بود، بلکه افزون بر آن، تفسیر، تبیین و تأویل آیات نیز نگاشته شده بود. بنابراین، آن نگاشته بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تصنیف بود.»<sup>۹۲</sup>

شیخ مفید (رض) در موردی دیگر تصریح می‌کنند که مصحف امام (ع) آمیخته بود به تأویل و تفسیری که وحیانی بود، اما قرآنی نبود؛<sup>۹۳</sup> بدان سان که پیش‌تر خود می‌فرمود: «چون آیات نازل می‌شد، تفسیر و تأویل را بر من املا می‌کرد و من می‌نگاشتم.» براساس روایاتی این مصحف در اختیار امامان (ع) بوده است.<sup>۹۴</sup> از این روی بعید نمی‌نماید که این مصحف با این ویژگی‌ها همان باشد که بخشی از چگونگی آن در روایت ابو عمر کثی و برخی روایات دیگر آمده است، که مصحف امام (ع) مشتمل بر نام‌ها و افشای جریان‌هایی بوده است.<sup>۹۵</sup>

مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خویی پس از آن که روایات مختلف را درباره مصحف علی (ع) می‌آورد و بر این نکته تصریح می‌کند که آن مصحف افزودنی‌هایی داشته است، تأکید می‌کند که آن افزودنی‌ها تفسیر و تأویل آیاتی بوده که علی (ع) به املا پیامبر (ص) ثبت و ضبط می‌کرده است. به دیگر سخن هر آنچه بر پیامبر (ص) نازل می‌شده است، قرآنی نبوده است: بخش‌هایی قرآنی و جلوه اعجاز الهی بود و برخی

۸۶. پس از این اشاره خواهیم کرد که این استظهار یعنی براساس نزول بودن جمع مولا که نشاتگر ترتیب براساس نزول است، پایه‌ای ندارد.

۸۷. حسین الراضی، المراجعات (تحقیق)، ص ۴۱۱.

۸۸. الاستیعاب، ج ۲، ص ۲۵۳ (در حاشیه الاصابه)؛ المواهب المحرقة، ص ۱۲۶؛ حقایق هامة حول القرآن الکریم، ص ۱۵۸.

۸۹. الفواتح (در حاشیه المستصفی)، ج ۲، ص ۱۲.

۹۰. المسائل السرویه، ص ۷۹ (مصنفات الشیخ المفید، ج ۷).

۹۱. معالم العلماء، ص ۲.

۹۲. هدهد الرجال، ج ۱، ص ۹۲.

۹۳. اوائل المقالات، ص ۸۱ (مصنفات الشیخ المفید، ج ۴).

۹۴. الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۴۶۲؛ بصائر الدرجات، ص ۱۹۳؛ المحجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۶۳.

۹۵. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۸۹؛ الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۶۲۱.



روشن است که این داوری ها هرگز بر پایه بررسی مستقیم آن مصحف نبوده است. ۱۰۰ از ابن سیرین آوردیم که به آن روزگاران نیز فقط نامی از این مصحف بوده است و جست و جوی آنان برای یافتن مصحف مولا به جایی نرسیده است. بدین رو توان گفت که این داوری ها مستند است به استظهار عالمان از روایاتی که به گونه ای مصحف مولا را وصف کرده اند. به برخی از این گونه روایات بنگریم:

ابن شهر آشوب از ابورافع (به گونه ارسال) گزارش می کند: **فَلَمَّا قَبِضَ النَّبِيُّ (ص) جَلَسَ عَلَيَّ فَأَلْفَهَ عَلَيَّ مَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ وَكَانَ بِهَ عَالِمًا؛ «چون پیامبر (ص) در گذشت علی (ع) نشست و قرآن را بر اساس نزول که بدان آگاهی داشت، سامان داد.»** ۱۰۱

جابری گوید از حضرت باقر العلوم (ع) شنیدم که می فرمود: هر آن که ادعا کند قرآن را بدان گونه که نازل شده است، یکسر جمع کرده است دروغ گفته است. بدان گونه که نازل شده است هیچ کس جز علی بن ابی طالب و امامان (ع) پس از او حفظ نکرده اند. ۱۰۲

از سوی دیگر در منابع از جمله به نقل از ابن سیرین آمده است که: **آگاه گشتم که علی از بیعت ابوبکر تن زد. ابوبکر گفت آیا به امارت من خوشنود نیستی؟ امام فرمود، نه. سوگند یاد کرده ام که جامه برنگیرم جز برای نماز، تا این که قرآن را گرد آورم.**

آن گاه ابن سیرین می گوید:

چنان پنداشته اند که علی (ع) آن را بر اساس تنزیل نگاشته است. ۱۰۳ از روایاتی بدین سان در جمع قرآن که به گونه ای با حاکمیت شکل گرفته پس از پیامبر مرتبط است، بوی جعل و وضع می آید. گویا حدیث سازان می خواستند به گونه ای غیبت امام (ع) را از صحنه بدین گونه توجیه کنند و کار خود را موجه جلوه دهند. این نکته ظریفی است که فقیه بی بدیل روزگار اخیر حضرت آیت الله العظمی بروجردی بدان تنبه داده است. ۱۰۴

افزون بر این در متن روایت هیچ گونه صراحتی بر ترتیب

۹۶. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۳۳ و ۲۲۵.

۹۷. حقایق هامة حول القرآن الکریم، ص ۱۵۳-۱۶۱.

۹۸. التمهید، ج ۱، ص ۲۹۲ و نیز بنگرید به: حقایق هامة، ص ۱۶۰؛ تاریخ القرآن، آبیاری، ص ۸۵؛ تاریخ القرآن، زنجانی، ص ۲۶ و ...

۹۹. البیان، ص ۲۲۳.

۱۰۰. المسائل السرویه، ص ۷۹ (مصنفات الشیخ المفید، ج ۷).

۱۰۱. مناقب شهر آشوب (تحقیق یوسف بقاعی)، ج ۲، ص ۵۰.

۱۰۲. بصائر الدرجات، ص ۹۳؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۸۸.

۱۰۳. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۳۸ (ط. دارصادر).

۱۰۴. نهاية الاصول، ص ۴۸۴.

توضیحات و تفسیرها و تأویلها. بنابراین آنچه در آن مصحف بوده است، و حیاتی بوده است و اما همه قرآنی، نه. ۹۶ علامه سید جعفر مرتضی عاملی پس از آن که نقلها و گزارشهای بسیاری را درباره چگونگی مصحف علی (ع) آورده، نوشته اند: «بدین سان روشن شد که مصحف علی (ع) با قرآن موجود هیچ گونه تفاوت نداشته است، و تفاوت های یادشده و افزونی های دیگر تفسیر و تأویل آیات بود و نه جز آن.» ۹۷

بنابراین مصحف علی (ع) تفسیری عظیم و آغازین تفسیر تدوین یافته قرآن کریم بوده و علی (ع) اولین کسی است که تفسیر قرآن را با تلقی از وحی نگاشت. اما سوگمندان، چگونگی های روزگار از این که آن مجموعه در دسترس نسلها و عصرها قرار گیرد، جلوگیری کرد. بر آنچه آمد باید انبوه نقل های تفسیری ارجمند و راهگشایی را که در منابع و متون حدیثی و تفسیری پراکنده است، بیفزاییم که نمونه روشن تفسیر علوی است و سرشار از آگاهی های ارجمند.

### تأملی دیگر در چگونگی مصحف علی (ع)

آنچه تا بدین جا آمد نشانگر این است که مصحف علی (ع) آمیخته بود به تفسیر، تأویل، مصادیق مفاهیم کلی و ... چنان که دیدیم از کهن ترین روزگاران مفسران، محدثان، عالمان و قرآن پژوهان بر این حقیقت تصریح کرده اند، و نیز دیدیم که از جمله ویژگی های مصحف مولا (ع) را سامان یابی آن بر اساس نزول آیات و ترتیب یافته بر اساس نزول تدریجی و تاریخی دانسته اند. از شیخ مفید (ره) آوردیم که نوشته بود:

مصحف علی (ع) بر اساس نزول سامان یافته بود، مکی بر مدنی و منسوخ بر ناسخ مقدم بود و هر آیه ای به لحاظ نزول در جای خود قرار داشت. ۹۸

حضرت آیت الله العظمی خویی (ره) نیز نوشته اند:

«تدریدی نیست که مصحف امیر مؤمنان به لحاظ ترتیب سوره ها با قرآن موجود تفاوت دانسته است، و عالمان بر این حقیقت یک داستانند.» ۹۹

حضرت آیت الله معرفت نیز در ضمن بر شمردن ویژگی های مصحف علی (ع) نوشته اند:

«... ترتیب نزولی آن؛ به گونه ای که آیه آغازین بر بعدی مقدم بوده است، با چینی در نهایت دقت.»

پیشین و آن گاه پسین نیست، با توجه به این که خود این سیرین این مطلب را پنداری بیش تلقی نکرده است. در گزارش دیگری در ذیل آنچه آمد، ابن سیرین می گوید: از عکرمه پرسیدم آن را به ترتیب نزول تألیف کردند. گفت، اگر جن و انس گردآیند که چنین کنند، نتوانند. ۱۰۵

به هر حال این گونه نقل ها نه از اعتبار لازم برخوردار و نه از صراحت و روشنی برای استناد.

این بنده به روزگاری که در درس های تاریخ قرآن دانشگاه بدین موضوع می پرداختم، براساس روایاتی که پیش تر آوردیم که نشانگر آن بود که علی (ع) چون آیات نازل می شد، آیات را به امر پیامبر (ص) می نوشتند و تفسیر و تأویل و... آن را، به ذهنم آمد که باید مراد از جمله «کما أنزل الله» و... جمع قرآن براساس تمام آنچه به وحی الهی بر پیامبر (ص) نازل شده است، باشد. یعنی آنچه آیات الهی است و قرآنی-وحیانی است و چهره ماندناپذیر و اعجاز آمیز دارد و آنچه به صورت تفسیر، تأویل و تبیین این آیات نازل شده بوده است که وحیانی بود و بیانی. و روشن است که ذیل روایت اول (=وكان به عالماً) باید گویای چنین نکته ای باشد، و گرنه از چگونگی نزول و ترتیب آن کسان بسیار دیگری نیز آگاه بودند و ویژه مولا (ع) نبود.

پس از آن در روایات موضوع نگرستم، بخشی از آنها را گرد آوردم و در نصوص نقل ها تأمل کردم، و قرآینی بسیار بر این «تفرس» یافتم که امیدوارم روزی به جمع، تدوین تحلیل و نتیجه گیری و نشر آن توفیق یابم. به هر حال گزیده سخن این که «مصحف» علی (ع) براساس این نگرش هیچ تفاوتی با قرآن جمع شده (که بر جمع آن در زمان پیامبر (ص) باور دارم) ندارد، نه در آیات و نه در ترتیب. بلکه آنچه آن مصحف را ممتاز می ساخت تفسیرها، تأویل ها، مصداق یابی ها و روشنگری های وحیانی در قالب تفسیر و تأویل بود که مولا نوشته اند و مصحفش در این جهت ویژگی داشت و تن زدن حکومت در پذیرش آن نیز در همین نکته نهفته است، تا چهره ها نموده نشود، رازها از پرده برون نیفتد. چنین بود که پس از آن نیز سیاست جلوگیری از کتابت و نشر حدیث و نیز تفسیر قرآن رقم خورد و بگسترده و... ۱۰۶

### مجموعه ای در علوم قرآنی

در منابع روایی مجموعه ای در علوم قرآنی و اصناف آن گزارش شده که گویا این مجموعه از علی (ع) نقل شده است. علامه مجلسی (ره) تمام آن را در بخش قرآن بحار الانوار به عنوان روایتی از علی (ع) نقل کرده و در آغاز آن نوشته است:

باب آنچه درباره اصناف آیات قرآن و انواع آن و تفسیر بعضی

آیاتش وارد شده است به روایت [محمد بن ابراهیم] نعمانی و این رساله ای است مفرد و مدون و دارای فواید بسیار که از آغاز تا فرجام یک جا آن را می آوریم....

این مجموعه ۹۷ صفحه از آغاز مجلد بحار الانوار را فرا گرفته است. رساله یاد شده دارای مقدمه ای است کوتاه درباره ارزش و اهمیت قرآن، سپس سند رساله است و حدود یک صفحه از فرمایشات امام صادق (ع) درباره ارزش قرآن و این که چون برخی از کسان از مسیر حق منحرف شدند و حقایق قرآن را دریافتند، و از شیوه درست و شایسته ای در بهره وری از قرآن سود نجستند، سخن های نااستوار درباره قرآن بسیار گفتند. پس از آن سخنی از علی (ع) در مورد اقسام آیات الهی و شرحی درازدامن درباره اقسام آیات الهی و شؤون مختلف قرآن مجید. ظاهر عبارات ها نشان می دهد که این مجموعه به طور کامل از علی (ع) است. اما آیا واقعیت نیز چنین است؟! در متابعی و از نظر علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، از زمان مرحوم مجلسی به بعد، این مجموعه به نام سید مرتضی (ره) نیز مشهور شده است. ۱۰۷ علامه سید محسن امین عاملی در ضمن یادکرد نگاهشته های علی (ع)، درباره این مجموعه می نویسد: کتابی است که علی (ع) در آن از ۶۰ نوع از انواع علوم قرآنی یاد کرده است. ۱۰۸ مرحوم امین درباره این مجموعه به تفصیل بحث کرده و سند خود را به این کتاب نیز یاد کرده است. با این همه انتساب این مجموعه به عنوان نگاهشته ای مستقل به علی (ع) چندان استوار نیست. ۱۰۹

### تفسیر قرآن از نگاه علی (ع)

پیش تر برخی سخنان علی (ع) را درباره قرآن و تأکید و ترغیب آن

۱۰۵. فضائل القرآن، ابن مزین، ص ۳۶.
۱۰۶. این بنده در حد آگاهی های اندک خود ندیده ام که در میان قرآن پژوهان کسی بدین نکته اشاره کرده باشد. همین جا یادآوری کنم که احتمال برخی از فاضلان که «مصحف علی (ع)» را با «کتاب علی» یکی دانسته اند، قطعاً نادرست است. ر. ک: کاوشی در تاریخ جمع قرآن، سید محمد علی ابازی، ص ۹۱.
۱۰۷. الدرریمه، ج ۲۰، ص ۱۵۴.
۱۰۸. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۹۰.
۱۰۹. ر. ک: مقاله پژوهشگرانه آقای ا. م. موسوی که احتمالات مختلف درباره این رساله را آورده و نقد و بررسی کرده اند. (کیهان اندیشه، شماره ۲۸، ص ۱۱۲-۱۲۲).



نمونه های آن این است که محدثان و مورخان آورده اند که:

زنی پس از شش ماه حمل فرزندی بر زمین نهاد. به عمر بن خطاب گزارش دادند، آهنگ رجم کرد. [به پندار این که مدت حمل نه ماه است و چون این زن پس از شش ماه از تماس با شوهرش فرزند آورده است، پس پیشتر باردار بوده و زنا کرده است].

علی (ع) از تصمیم عمر آگاه شد و او را از رجم بازداشت و فرمود: خداوند کریم در آیتی می فرماید: «والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین.» و در آیتی دیگر می فرماید «وحمله وفضاله ثلاثون شهراً». بدین سان شش ماه مدت حمل است و بیست و چهار ماه مدت شیردهی، عمر زن را رها کرد و گفت: خداوند روزی را نیاورد که مشکلی پیش آید و فرزند ابوطالب نباشد. ۱۱۵ برخی از پژوهشگران عرب تفسیر قرآن به قرآن را به درستی پایه و بن مایه تفسیر موضوعی دانسته اند و بر این باور رفته اند که رگه های این جریان در دوران صحابه شکل گرفته و تصریح کرده اند که علی (ع) پایه های این موضوع را در تفسیرهایش استوار کرده است و از آنچه آوردیم به عنوان نمونه بحث یاد کرده اند. ۱۱۶ علی (ع) در بیانی دیگر به شناسایی و شناساندن محتوای قرآن می پردازد، و انواع معارف آن را می نمایاند و چگونگی پیوند قرآن و سنت را باز می گوید و بدین گونه گویا غیر مستقیم می فهماند که فهم استوار قرآن در گرو آگاهی به این همه و اطلاع از چندی و چونی این دانش ها است. این حقایق در واپسین سطور خطبه اول نهج البلاغه، از فراز مندترین و شکوهمندترین خطب علوی آمده است:

کتاب ربکم فیکم مبیئاً حلاله و حرامه و فرائضه و فضائله

۱۱۰. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۹۳.

۱۱۱. بنگرید به گفت و گوی تنبیه آفرین ابن عباس و معاویه، در کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۷۸۳؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۲۴؛ مواقف الشیعه، ج ۱، ص ۸۴.

۱۱۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۰.

۱۱۳. نهج البلاغه، خ ۱۳۳، صبحی صالح، ص ۱۳۲، ترجمه شهیدی. و نیز ر.ک: شرح ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۲۹۴؛ نیز بنگرید به خ ۱۸، جمله ... ان الكتاب یصدق بعضه بعضاً ... و شرح های آن.

۱۱۴. الحجّه للقراء السبعه، ج ۶، ص ۳۴۳؛ مغنی الملبیب، (تحقیق: زمان مبارک)، ص ۳۲۸.

۱۱۵. السنن الکبری، ج ۷، ص ۷۲۷؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۸، ص ۱۵؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۹؛ تذکره السیط، ص ۱۳۷؛ الغدیر، ج ۶، ص ۹۳، و منابع بسیار دیگر.

۱۱۶. دراسات فی التفسیر الموضوعی للقصص القرآنی، احمد جمال العمری، ص ۵۰. در فصول پیشین به تفصیل به تفسیر موضوعی و چگونگی آن پرداخته ایم.

بزرگوار را در جهت اندیشیدن به آیات قرآنی و شنیدن گلبانگ نغمه های آسمانی و نیوشیدن آموزه های ربّانی یاد کردیم. اکنون یاد کنیم که علی (ع) درباره فهم قرآن و تفسیر کتاب الهی نیز سخنان نغزی دارد. آن بزرگوار در روزگاری که آهنگ حاکمان چنین فراز می آمده است که «قرآن را بپیرایید و هرگز آن را تفسیر نکنید»<sup>۱۱۰</sup> و از تفسیر هوشمندانه قرآن و برکشیدن معارفی که با سلطه حاکمان مسلط در تضاد بود، جلوگیری می کردند،<sup>۱۱۱</sup> بر روی آوردن به قرآن تأکید می کردند و در جهت نشانیدن قرآن و معارف آفتابگون آن در جایگاه شایسته اش بسی می کوشیدند. علی (ع) می فرمود: «قرآن را بخوانید و معارف آن را برکشید، بی گمان خداوند قلبی را که حقایق قرآن را نیوشیده باشد، عذاب نمی کند.»<sup>۱۱۲</sup>

در مقامی دیگر، رهنمودی برای بهره گیری از قرآن کریم فرموده است:

«کتاب الله تبصرون به، و تنطقون به، و تسمعون به، و ينطق بعضه ببعض، و يشهد بعضه علی بعض، لا یختلف فی الله، و لا یخالف بصاحبه عن الله.»

کتاب خدا که بدان، راه حق را، می بینید، و بدان، از حق سخن می گوید، و بدان، حق را، می شنوید، بعض آن بعض دیگر را تفسیر کند، و پاره ای بر پاره دیگر گواهی دهد، همه آیه هایش، خدا را یکسان شناساند و آن را که همراهش شد، از خدا برنگرداند.<sup>۱۱۳</sup>

علی (ع) با این بیان ارجمند چگونگی تفسیر پذیری قرآن کریم را می نمایاند و برای چگونگی بهره وری از آیات الهی مردم را راهنمایی می کند. در نگاه آن بزرگوار، تمامی قرآن چونان کلامی واحد و سخنی است همگون که برای شنیدن محتوای هر آیه آن باید به آیات دیگر مراجعه کرد و به فهم آیات الهی در فضای معنایی ویژه ای که تمام آیات همگون آن را شکل می دهند، دست یافت. بدین سان علی (ع) شیوه تفسیری ارجمند و کارآمد قرآن به قرآن را می نمایاند و چونان مشعلی برای پرتوگیری از انوار کتاب الهی در پیش دیده ها می نهد. قرآن پژوه بزرگ قرن چهارم، ابوعلی فارسی به این حقیقت ناب راه برده و نوشته است: «تمام قرآن چونان یک سوره است؛ از این روی گاه مطلبی در سوره ای می آید و جواب آن در سوره ای دیگر.»<sup>۱۱۴</sup>

علی (ع) بارهای بار بدین صورت قرآن را تفسیر کرده و گره های هشته در پیش معاصرانش را گشوده است. یکی از



و ناسخه و منسوخه و رخصه و عزائمه، خاصه و عامه، و عبره و امثاله، و مرسله و محدوده، و محکمه و متشابهه. مفسراً مجمله و مبیناً غوامضه، بین مأخوذ میثاق فی علمه و موسع علی العباد فی جهله و بین مثبت فی الکتاب فرضه و معلوم فی السنه نسخه و واجب فی السنه اخذه و مرخص فی الکتاب ترکه و بین واجب لوقته و زائل فی مستقبله، و مباین بین محارمه من کبیر او عد علیه نیرانه، او صغیر ارصد له غفرانه، و بین مقبول فی ادناه، و موسع فی اقصاه.

«کتاب پروردگار در دسترس شما است. این پیام آسمانی همه مصالح و مفاسد حیات دنیوی و اخروی شما را بیان نموده است: حلال و حرام، فرایض و شایستگی‌ها، ناسخ و منسوخ، مباحات و واجبات، خاص و عام، داستان‌ها و اصول عبرت‌انگیز و امثال و حکم، مطلق و مقید، محکم و متشابه را توضیح داده، حقایق ابهام‌انگیز را تفسیر و مشکلاتش را روشن ساخته است.»  
«تحصیل علم و یقین به برخی از مطالب قرآنی، مطابق پیمانی که از بندگان گرفته شده، لازم است و در برخی دیگر که اسرار و رموز قرآنی محسوب می‌شوند، مردم را به تنگنای لزوم معرفت آنها مجبور نموده است.»

«گروهی از مسائل در کتاب آسمانی ثابت و نسخ آن در سنت روشن است. دسته‌ای از مسائل وجود دارد که التزام به آنها در سنت واجب است و در کتاب الهی مورد اختیار مقرر شده است. وجوب بعضی از تکالیف تا وقت معینی است که با سپری شدنش مرتفع می‌گردد. کتاب آسمانی انواع محرمات را از یکدیگر تفکیک نموده و به معصیت کبیره و وعده آتش و به گناهان کوچک امید بخشش داده است.»

«موضوعات دیگری در قرآن وجود دارد که انجام دادن اندکی از آنها، مقبول و در وصول به نهایت آنها بندگان را آزاد گذاشته است.»<sup>۱۱۷</sup>

با این بیان، علی (ع) گویا بر این نکته تأکید می‌ورزد که در فهم قرآن باید به گونه‌گونی ابعاد آیات توجه کرد و محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و ... آن را باز شناخت و چگونگی ارتباط سنت با قرآن را در فهم کتاب الهی درک کرد.<sup>۱۱۸</sup>

### نمونه‌هایی از تفسیر علی (ع)

پیش‌تر آوردیم که سیوطی در چندی و چونی تفاسیر صحابیان نوشته بود: «در میان خلفا تفسیر روایت شده از علی بن ابی طالب بیش‌تر از همه است.» آنچه اکنون در منابع تفسیری و حدیثی و متون از علی (ع) در اختیار داریم، بی‌گمان تمام آن چیزی نیست که علی (ع) در تفسیر آیات الهی بیان کرده است.

اکنون لازم است صاحب‌همتی آگاه از مسائل تفسیری و حدیثی دامن همت بر کمر ارادت زند و روایات پراکنده در منابع گونه‌گون تفسیر علی (ع) را، همان اندازه که بر جای مانده است،<sup>۱۱۹</sup> تدوین کند و بدین سان در آستانه معارف قرآنی گامی شایسته برگیرد و جستجوگران معارف قرآنی و علوی را یاری رساند. آنچه اینک می‌آوریم نمونه‌هایی است اندک از معارف تفسیری علی (ع):

مردی در محضر علی (ع) آیه «انا لله وانا الیه راجعون» را قرائت کرد. امام (ع) فرمودند: گفته «ما از آن خداییم» اقرار ما است به بندگی و گفته ما که «به سوی او باز می‌گردیم» اقرار است به تباهی و ناپایدگی.<sup>۱۲۰</sup>

در فرمانی به فرماندارش در مکه فرمود: «از مردم مکه بخواه که از هیچ زایری که ساکن آن دیار است چیزی نستانند، که خداوند فرمود: «سواء العاکف فیه والباد» (حج، آیه ۲۵)، مسجد الحرام را برای همه مردم برابر قرار دادیم، و مقیم و مسافر در آن یکسان اند.

مراد از «عاکف» شهروندان مکه اند و مراد از «بادی» کسانی هستند که برای حج بدان جا آمده‌اند.<sup>۱۲۱</sup> علی (ع) در بیانی ارجمند زهد را مصادیق عینی دو سوی یک آیه از آیات الهی می‌داند و بدین سان از یکسو زهد راستین را معنا می‌کند و از سوی دیگر برای آیات الهی تفسیری عینی به دست می‌دهد. امام فرمودند:

الزهد کله بین کلمتین من القرآن قال الله تعالی «لکیلا تأسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا بما آتاکم» (حدید، آیه ۲۳) و من

۱۱۷. نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۴؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸. در ترجمه این بخش از خطبه، ترجمه استاد علامه شیخ محمدتقی جعفری را برگزیدم، چون آن را گویاتر یافتم.

۱۱۸. برای تفسیر خطبه ر. ک: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۱۶.

۱۱۹. پژوهشگر سختکوش حضرت شیخ عزیزالله عطاردی در مجموعه عظیم مسانید الاثمه، در ضمن مسند الامام علی (ع) و در بخش «کتاب التفسیر» نقل‌های تفسیری از علی (ع) را به تفکیک از منابع عامه، زیدی و شیعی گرد آورده است که امیدواریم به زودی منتشر شود. علامه جلیل حضرت آقای سید حسن قبانچی در مجموعه ارجمند «مسند الامام علی (ع)» بخش عظیمی از یک جلد را ویژه تفسیر امام علی (ع) ساخته است (ج ۲).

۱۲۰. محاضرات الادبیه، ج ۲، ص ۲۲۶؛ تحف العقول، ص ۳۰۹؛ مصادر نهج البلاغه، ج ۴، ص ۹۲.

۱۲۱. نهج البلاغه، نامه ۶۷، مصادر نهج البلاغه، ج ۳، ص ۴۶۲.



زندگی جز با قناعت پاکیزه نمی شود، و آزمند همواره در رنج است و در دسر. ۱۲۸۸

قرآن کریم به صراحت، آیات الهی را به محکم و متشابه تقسیم نموده ۱۲۹ و تأکید می کند که معانی آیات متشابه و تأویل آنها را جز راسخان در علم ندانند. پیشوایان الهی در روشن ساختن مصداق راسخان در علم فراوان سخن گفته و در روزگاران مفسر آفرینی و چهره سازی بسیار تأکید کرده اند که ژرف اندیشان در قرآن و راسخان در علم، امامان (ع) و پیشوایان راستین هستند. علی (ع) در ضمن خطبه ای فرموده اند:

«أَبْنِ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُمُ الرَّاكِحُونَ فِي الْعِلْمِ دُونَنا، كَذِبًا وَبِغْيًا عَلَيْنَا، أَنْ رَفَعْنَا اللَّهَ وَوَضَعَهُمْ وَأَعْطَانَا وَحَرَمَهُمْ وَأَدْخَلْنَا وَآخَرَجَهُمْ، بِنَائِستَعْلَى الْهَدْيِ وَیَسْتَجْلَى الْعَمَى ...»

کجایند کسانی که پنداشتند آنان - نه ما - دانایان علم قرآن اند؟ به دروغ و ستمی که بر ما رانند. خدا ما را بالا برده و آنان را فرو گذاشته؛ به ما عطا کرده و آنان را محروم داشته، ما را در حوزه عنایت خود درآورد، و آنان را از آن بیرون کرد. راه هدایت را با راهنمایی ما می پویند، و روشنی دل های کور را از ما می جویند. ۱۳۰

علی (ع) از یک سو تفسیر دقیق آیه و مصداق والا و روشن آن را به دست می داد و از سوی دیگر از جریان های گونه گونی که در جهت ستیز با علی (ع) و آل علی در پی چهره نمایی و چهره سازی بودند و برای آیات الهی تفسیر باژگونه و مصداق وارونه می ساختند، پرده برمی گرفت. ۱۳۱

۱۲۲. ربیع الأبرار، ج ۱، ص ۸۲۶؛ نهج البلاغه، خ ۴۳۹.

۱۲۳. سیری در نهج البلاغه، ص ۲۱۲.

۱۲۴. نهج البلاغه، خ ۸۸؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۳۹؛ مصادر نهج البلاغه، ج ۴، ص ۸۵.

۱۲۵. هیون الاخبار، ج ۳، ص ۱۹؛ معانی الاخبار؛ نهج البلاغه، خ ۲۳۱.

۱۲۶. نهج البلاغه، خ ۲۲۹؛ مصادر نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۸۳.

۱۲۷. جامع البیان، ج ۱۴، ص ۱۷۲؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۰، ص ۱۱۴؛ الوسيط فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۱.

۱۲۸. التفسیر الكبير، ج ۲۰، ص ۱۱۲ و نیز ر. ک: جامع البیان، ج ۱۴، ص ۱۷۲. طبری این قول را برگزیده و به تفصیل بر استواری آن استدلال کرده است.

۱۲۹. آل عمران، آیه ۷.

۱۳۰. نهج البلاغه، خ ۱۴۴؛ ترجمه شهیدی، ص ۱۴۰.

۱۳۱. برای تفسیر خطبه ر. ک: منهاج البراهه، ج ۹، ص ۲۱؛ شرح ابن میثم بحرانی، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۴، ص ۱۵۳؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۸۶ و نیز ر. ک: کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۷۷۱؛ بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۱۵۵ که امام (ع) در نامه ای بیدارگر به تفسیر و تأویل دقیق «راسخان در علم» پرداخته است.

لم یأس علی الماضي ولم یفرح بالآتی فقد أخذ الزهد بطرفیه .  
«همه زهد در میان دو کلمه از قرآن فراهم آمده است. خدای سبحان فرماید: تا بر آنچه از دستتان رفته دریغ نخورید و بدانچه به شما رسیده شادمان مباشید و آن که بر گذشته دریغ نخورد و به آینده شادمان نباشد، از دو سوی زهد گرفته است.» ۱۲۲

استاد شهید مرتضی مطهری در توضیح این روایت نوشته اند: بدیهی است وقتی که چیزی کمال مطلوب نبود و یا اساساً مطلوب اصلی نبود، بلکه وسیله بود، مرغ آرزو در اطرافش پر و بال نمی زند و پر نمی گشاید و آمدن و رفتنش شادمانی یا اندوه ایجاد نمی کند. ۱۲۳

امام باقر (ع) نقل می کند که علی (ع) فرمود:

«دو چیز در زمین مایه امان از عذاب خدا بود: یکی از آن دو برداشته شد، پس دیگری را بگیرد و بدان چنگ زید. اما امانی که برداشته شد رسول خدا (ص) بود، و اما امانی که مانده است، آرمزش خواستن است. خداوند متعال می فرماید: «وما كان الله ليعذبهم وأنت فيهم، وما كان الله معذبهم وهم يستغفرون» (انفال، آیه ۳۳) و خدا آنان را عذاب نمی کند، حالی که تو در میان آنان و خدا عذابشان نمی کند، حالی که آرمزش می خواهند. ۱۲۴ سید رضی (ره) می گوید: «این تفسیر یکی از نیکوترین بهره گیری ها از قرآن است و از لطایف استنباط از آیات.»

از علی (ع) درباره این آیت الهی: ان الله يأمر بالعدل والإحسان (نحل، آیه ۹۰)، «همانا خداوند همواره به داد و نیکی فرمان می دهد»، پرسیدند، آن حضرت فرمود: «العدل الإنصاف، والإحسان التفضل». «عدل انصاف است و احسان نیکویی کردن. ۱۲۵»

علی (ع) فرمود: «قناعت دولت مندی را بس و خوی نیکو نعمتی بود در دسترس.» از امام (ع) از معنی فَلَئِحْيَتِهِ حَيَاةً طَيِّبَةً پرسیدند، فرمود: «آن قناعت است.» ۱۲۶

راستی را، مگر زندگی پاک و پاکیزه جز در سایه قناعت فراچنگ می آید، و مگر نه این است که بسیاری از زندگی های پلشت و عزت سوزی های شخصیت خردکن، از آزمندی ها و فرونخواهی و فراخ جویی ها برمی خیزد و زندگی را از ذلت می آکنند.

از کهن ترین روزگاران، مفسران بسیاری مصداقی از «حیایه طیبیه» را قناعت دانسته اند. ۱۲۷ و احدی نوشته است: «آن که حیایه طیبیه را قناعت دانسته است، گزینشی نیکو کرده است، چرا که

یکی از جلوه‌های والای کلام علوی، آمیخته ساختن سخنش با کلام الهی و تفسیر آیات قرآن در جاری‌های زمان و با جاری‌های زمان است. علی (ع) در این گفتارها از یک سو چهره ناپاکان و پلیدان را می‌نمایاند و از سوی دیگر پاکیزه‌خویان و نیک‌سیرتان را می‌شناساند و در همه این موارد سخن را به گونه‌ای بس دلپذیر و تنبیه‌آفرین با کلام الهی آذین می‌بندد. علی (ع) در ضمن نامه‌ای بلند که سید رضی (ره) آن را از نیکوترین نامه‌های امام (ع) تلقی کرده، می‌نویسد:

... و گفتم که من و یارانم را پاسخی جز بر شمشیر نیست، راستی که خنداندی از پس آن که اشک ریزاندی. کی پسران عبدالمطلب را دیدی که از پیش دشمنان پس روند، و از شمشیر ترسانده شوند «لختی بی‌ای حمله به جنگ می‌پیوندند.»<sup>۱۳۲</sup> زودا کسی را که می‌جویی تو را جوید، و آن را که دور پنداری به نزد تو راه پوید. من یا لشکری از مهاجران و انصار و تابعیان، آنان که راهشان به نیکویی پیمودند به سوی تو می‌آیم، لشکری بسیار - و آراسته - و گرد آن بر آسمان برخاسته. جامه‌های مرگ بر تن ایشان، و خوش‌ترین دیدار برای آنان دیدار پروردگارشان، همراهشان فرزندان «بدریان» اند و شمشیرهای «هاشمیان»؛ که می‌دانی در آن نبرد تیغ آن رزم‌آوران، با برادر<sup>۱۳۳</sup>، و دایی<sup>۱۳۴</sup> و جد<sup>۱۳۵</sup> تو چه کرد - و ضربه دست آنان - از ستمکاران دور نیست. «وماهی من الظالمین بیعتید.» (هود، آیه ۸۳).<sup>۱۳۶</sup>

بدین سان علی (ع) حماسه پاسداری و استواری را در برابر دشمن می‌سراید، و آنان را مصداق روشن ستم‌پیشگان معرفی می‌کند و تفسیر عینی قرآن کریم را رقم می‌زند. ادیب بلند آوازه قرن هفتم ابن ابی‌الاصبح مصری این بخش از نامه را آورده و آن را مصداقی روشن برای حسن ختام دانسته است.<sup>۱۳۷</sup>

قرآن کریم کتاب هدایت و مجموعه‌ای از آموزه‌های رحمانی است در جهت راهبری انسان در جاری‌های زمان. به گفته مفسری هوشمند،<sup>۱۳۸</sup> قرآن آیین‌نامه زندگی اجتماعی، سیاسی و فکری مسلمانان است و ابعاد قرآن را جز آنان که در کوران‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی درگیرند، نخواهند فهمید. علی (ع) قرآن را فراموش کرده و با تکیه به آیات و وحی صف‌های گوناگون را باز شناسانده است. آن بزرگوار نیروهای لشکرش را برای نبرد با معاویه بسیج کرد و در ضمن خطبه‌ای بلند فرمود: «هان مسلمانان، در جهاد با معاویه ستم‌پیشه و بیعت‌شکن و یاران ستم‌گسترش بکوشید و به آنچه از کتاب الهی می‌خوانم گوش فرادهید و پند گیرید. از مواظظ الهی سود جوید و از

گناهان دور باشید. خداوند با گزارش چگونگی زندگانی امت‌هایی دیگر شما یان را پند داده است.»<sup>۱۳۹</sup>

آن‌گاه قرائت فرمود:

الم ترالی الملاً من بنی اسرائیل من بعد موسی اذ قالوا لنبی لهم ابعث لنا ملکاً نُقاتل فی سبیل الله قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال الا تُقاتلوا قالوا وما لنا الا نُقاتل فی سبیل الله وقد اخرجنا من ديارنا و ابنائنا فلما کتب علیهم القتال تولوا الا قليلاً منهم والله علیم بالظالمین\* و قال لهم نبیهم ان الله قد بعث لکم طالوت ملکاً قالوا انئی یکون له الملک علینا و نحن احق بالملک منه ولم یؤت سعة من المال قال ان الله اصطفاه علیکم وزاده بسطة فی العلم والجسم والله یؤتی ملکة من یشاء والله واسع علیم. (بقره، آیه ۲۴۶-۲۴۷)

«آیا آن گروه از بنی اسرائیل را پس از موسی ندیدی که به یکی از پیامبران خود گفتند: برای ما پادشاهی نصب کن تا در راه خدا بجنگیم. گفت: نپندارید که اگر قتال بر شما مقرر شود از آن سرباز خواهید زد؟ گفتند: چرا در راه خدا نجنگیم در حالی که ما از سربازمینمان بیرون رانده شده ایم و از فرزندانمان جدا افتاده ایم؟ و چون قتال بر آنها مقرر شد، جز اندکی، از آن روی برتافتند. خدا به ستمکاران آگاه است.»<sup>۱۴۰</sup>

«پیغمبرشان به آنها گفت: خدا طالوت را پادشاه شما کرد. گفتند: چگونه او را بر ما پادشاهی باشد؟ ما سزاوارتر از او به پادشاهی هستیم و او را دارایی چندانی نداده‌اند. گفت: خدا او را بر شما برگزیده است و به دانش و توان او بیفزوده است، و خدا پادشاهیش را به هر که خواهد دهد که خدا در برگیرنده و دانا است.»<sup>۱۴۱</sup>

«هان مردم در این آیات شما را عبرت است تا بدانید که

۱۳۲. حماسه‌ای است که در روزگار جاهلیت به هنگام عزیمت به رزم می‌گفتند و آن را به صورت‌های دیگری نیز نقل کرده‌اند. ر. ک: **بهب الصیافه**، ج ۶، ص ۱۸۷.

۱۳۳، ۱۳۴ و ۱۳۵. به ترتیب حنظله بن ابی سفیان، ولید بن عتبّه و عتبّه بن ربیع.

۱۳۶. **نهج البلاغه**، نامه ۲۸، ترجمه شهیدی، ص ۲۹۳. امام (ع) این نامه را در جواب نامه‌ای از معاویه نگاشته است. ر. ک: **وقمه صفین**، ص ۸۶ و منابع دیگر هر دو نامه، **مصادر نهج البلاغه**، ج ۳، ص ۲۶۵.

۱۳۷. **بدیع القرآن**، ص ۳۴۳.

۱۳۸. **منتفکر ارجمند سید محمد حسین فضل‌الله** در گفت‌وگویی با آینه پژوهش، شماره ۷، ص ۷۹-۸۰.



آیات سوره تصویری است زنده و پویا از رویارویی جریان کفر و ایمان، و تهدید شکننده کافران و تأکید بر همراهی با مؤمنان و چگونگی فرایند این جریان‌ها و مآلاً سخنی با منافقان و ضربه‌های آنان علیه جریان حق، بدین سان آغازین آیه، سخن از کافران دارد؛ ۱۴۲ کافران مکّه و فتنه انگیزی آنان و جلوگیریشان از ایمان آوردن مردمان و پیوستن آنان به پیامبر (ص) و مآلاً مانع آفرینی در راه حق، وارونه‌سازی حقایق و ... اکنون علی (ع) در جایگاه مفسری که با ژرفای آیات الهی به درستی آشنا است، آیه را تفسیر و تأویل می‌کند، و سیاستگران «سقیفه» را مصداق روشن چهره‌های «صدوا عن سبیل الله» می‌داند؛ چراکه آنان در برابر صریح سخن پیامبر (ص) ایستادند و سیاست را به گونه‌ای که ذهن‌های هوس‌آلود می‌خواست، رقم زدند و مآلاً به سخن خداوند که فرمود «ما آتاکم الرسول فخذوه ...» پشت کردند و از پذیرش آن تن زدند.

یکی از آموزه‌های عظیم و تنبّه‌آفرین قرآن کریم، شناسایی و شناساندن دشمن است و چگونگی درگیری آن با انسان و بازداری او از راه حق. قرآن کریم در آیات بسیاری از شیطان سخن گفته و چگونگی تلاش او را برای گمراهی انسان نیز عرضه کرده و به انسان هشدار داده است که بیدار باشد و در چنگ شیطان و حزب او گرفتار نیاید. قرآن در آیاتی چند حزب شیطان را معرفی کرده و فرجام آن را بازگفته است. علی (ع) در جایگاه مفسری راستین و رهبری بیدار که باید لحظه به لحظه امت را رهبری کند و از این که در تور نامرئی حزب شیطان گرفتار آید، هشدار دهد، به چهره‌نمایی از منافقان می‌پردازد و در قالب جملات بس‌گویا و روشنگر، خلق و خوی و سلوک فردی و اجتماعی آنان را می‌نمایاند و در واپسین گفتار این آیت الهی را تلاوت می‌کند که:

«اولئك حزب الشیطان، الا ان حزب الشیطان هم الخاسرون.» (مجادله، آیه ۱۹)  
 آنان حزب شیطان اند، آگاه باش که حزب شیطان زیان‌کنندگان اند. ۱۴۳

۱۳۹. الارشاد، ج ۱، ص ۲۶۲؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۰۷؛ بحارالانوار، ج ۸، ص ۶۴۴ (چاپ قدیم)  
 ۱۴۰. رك: المیزان، ج ۲، ص ۲۸۷، دراسات فی ولاية الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۱.  
 ۱۴۱. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۰۱؛ تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۱۸۰، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۶؛ مستند الامام علی (ع)، ج ۲، ص ۲۴۰.  
 ۱۴۲. بنگرید به: المیزان، ج ۱۸، من وحی القرآن، ج ۲۱، ص ۴۵، فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۲۷۸. سید قطب با بیانی شورانگیز و هیجان‌آر آهنگ کلی سوره و رویارویی جبهه‌ایمان و کفر را به تصویر کشیده است.  
 ۱۴۳. نهج البلاغه، خ ۱۹۴.

خداوند خلافت و حکومت را پس از پیامبران در خاندان آنها نهاده و طالوت را با افزودنی در توان و علمش زبده‌گزینی کرده و بر دیگران برتری بخشیده است. اکنون یکی بنگرید! آیا خداوند بنی‌امیه را بر بنی‌هاشم برگزیده و معاویه را در دانش و توان بر من برتری داده است؟ بندگان خدا، تقوا پیشه کنید و در راه خداوند، پیش‌تر از آن که به خشم خداوند گرفتار آید، جهاد کنید. ۱۳۹

علی (ع) با این بیان، جایگاه امامت را نشان داده و آیات الهی را در گستره‌زمان تفسیر می‌کند و از آنچه درباره‌امت‌های پیشین است، بهره‌می‌گیرد و ویژگی‌های رهبری را براساس آیات الهی رقم می‌زند. ۱۴۰ این‌گونه روشنگری‌ها در حقیقت تطبیق دقیق مفاهیم قرآنی بر جاری‌های زمان و به دیگر سخن تأویل راستین قرآن کریم است که در کلام معجزشیم رسول‌الله (ص) درباره‌علی (ع) آمده بود که «علی بر تأویل قرآن می‌جنگد بدان‌سان که من بر تنزیل قرآن نبرد کردم.»  
 نمونه‌ای دیگر را بنگرید:

پیش‌تر آوردیم که مولا برای «احقاق حق» و برنمودن «خلافت حق» و «حق خلافت» ابتدا فریاد برآورد و حق را فراز آورد و یارانش نیز واژگونی حق را برنتابیدند و در مسجد و در تجمع انبوه مردمان از حقیقت سخن گفتند؛ اما چون دیدند جریان به گونه‌ای دیگر رقم خورد. برای صیانت ساحت قرآن، سکوت کردند؛ سکوتی تلخ و غم‌آجین، یکی از آن موضوع‌ها و حق‌نمایی‌ها را حضرت باقر (ع) چنین گزارش می‌کند:

امیرمؤمنان پس از رحلت رسول‌الله (ص) در مسجد و در هنگامی که مردمان جمع بودند با صدایی بلند خواند: **الدین کفروا و صدوا عن سبیل الله اضل اصمالمهم؛** کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند، [خداوند] اعمال آنان را تباه کرد. «ابن عباس گفت: یا اباالحسن، چرا بدین سان سخن گفتی؟»

فرمود: آیتی از قرآن خواندم! ابن عباس گفت: اما برای برنمودن مطلبی آن را خواندی! مولا فرمود: خداوند در کتابش می‌گوید: «وما آتاکم الرسول فخذوه و مانها کم عنه فانتهوه» آیا می‌توانی گواهی دهی که پیامبر (ص) فلانی را بر خلافت برگزید؟ ابن عباس گفت: از پیامبر (ص) جز این که شما را به خلافت برگزید، چیزی نشنیده‌ام. ۱۴۱ ...  
 سوره محمد (ص) آهنگی کفرستیزانه و شرک‌زدایانه دارد.

علی (ع) گاه با تکیه بر فضای فرهنگی و اجتماعی نزول قرآن کریم و با اشاره بر معیار و ارزش های حاکم بر زندگانی جاهلیان به تفسیر آیات الهی پرداخته و نشان می دهد که قرآن کریم واقع نگرانه، بنیادهای جهل آلود ناسازگار با شخصیت انسان را درهم کوبیده و بر ویرانه های آن بنای رفیع ارزش های والای الهی فرا می آورد.

قرآن کریم در جهت برنمودن بخشی از خلق و خوی جاهلیان و نشان دادن معیارها و ارزش های حاکم بر آنها، خطاب بدان ها می فرماید:

الهیکم التکائر حتی زرم المقابر؛ مشغول گردانید شما را بیش تری جستن تا زیارت کردید گورها. ۱۴۴

میبدی در ترجمه این آیات نوشته است: «مشغول داشت شما را نبرد کردن با یکدیگر به انبوهی، تا آنکه که مردگان در گور بشمردید.» ۱۴۵

مفسران در تفسیر این آیه دو گونه سخن آورده اند:

۱. فزونخواهی در مال و بیش تر جستن از تمتعات و لذایذ زندگی شما را از خدا باز گردانید، و این دلمشغولی همچنان با شما بود تا مرگ فرارسید و به زیارت گورها رفتید.

۲. فزونخواهی و بزرگنمایی نیا و تبار برای نشان دادن قدرت و اعتبار شما را به شمارش واداشت و این شمارش قبیله و تیره، شما را به خود مشغول داشت تا بدان جا که به دیدار گورها رفتید و برای اثبات افزونی تعداد قبیله هایتان گورهای تیاکان خود را نیز شمردید. ۱۴۶

قدرت که قبیله و فرزندان نمادی از آن بود و ثروت و داشته ها، معیار برتری و ارزش قبیله ها شمرده می شد و جاهلیان در مفاخره ها و بزرگداری های خود بدان می نازیدند، و گاه این نازیدن ها آنان را به چنین کنش های ابلهانه ای وامی داشت. علی (ع) گویا آیات آغازین این سوره را اشاره به این نکته می داند و محتوای آیات را اشاره ای به این بخش از فرهنگ جاهلی می انگارد که پس از قرائت این دو آیه می فرماید:

یا له مراماً ما ابعد، و زوراً ما اغفله، و خطراً ما افطعه. لقد استخلفوا منهم ای مدکر، و تناوشوهم من مکان بعید اقبصارع آبائهم یفخرون؟ ام بعدید الهلکی یتکاثرون؟ یرتجعون منهم اجساداً خوت، و حرکات سکنت. ولأن یکنوا عبراً أحق من این یکنوا مفتخراً. ولأن یهبطوا بهم جناب ذلة احجی من أن یقوموا بهم مقام عزة. لقد نظروا الیهم بابصار العشوة. و ضربوا منهم فی غمرة جهالة. ولو استنطقوا عنهم عرصات تلك الدیار الخاویة و الربوع الخالیة لقاتل ذهبوا فی الارض ضللاً؛ و ذهبتم فی اعقابهم جهالاً. تطاون فی هامهم، و تستبتون فی اجسادهم،

و ترتعون فیما لفظوا، و تسکنون فیما خرّبوا، و ...

«وه! که چه مقصد بسیار دور و چه زیارت کنندگان بیخبر- و در خواب غرور- و چه کاری دشوار و مرگبار. پنداشتند که جای مردگان تهی است، حالی که سخت مایه عبرت اند- لیکن عبرت گیرنده کیست؟- از دور جای دست به مردگان یازیدند- و به آنان نازیدند- آیا بدان جا می نازند که پدرانشان خفته اند یا به کسان بسیاری که در کام مرگ فرو رفته اند؟ خواهند کالبد های خفته بیدار شوند و جنبش های آسوده در کار. حالی که مایه پند باشند بهتر است تا وسیله فخر و بزرگواری، و در آستانه خواری شان فرود آرند خردمندانه تر، تا نشانندن در سریر بزرگواری. با دیده تار بدان ها نگرستند و نابخردانه نگرستند که چیستند و اگر از فراخنای خانه های ویران و سرزمین های تهی از باشندگان می پرسیدند، می گفتند: آنان به زمین در شدند گمراه و شما که به جای آنان اید، مردمی هستید ناگاه. سرهاشان را به پا می سپرید و بر روی پیکر هاشان می کارید و در آنچه به دور افکنده اند می چرید و در خانه ها که ویران کردند، هستید.» ۱۴۷

خطبه ای است بس شکننده و کوبنده در تفسیر و تصویر علی (ع) از آن فرهنگ، و نشان دادن ابعاد آیت الهی و بیدارگری ها و تنبه آفرینی های آن بزرگوار، در قالب این جمله ها و در اوج بلاغت و سستیخ فصاحت و بسی رشک برانگیز و اشک انگیز. ابن ابی الحدید می گوید:

اگر تمام فصیحان در مجلسی گرد آیند و این خطبه بدان ها خوانده شود، شایسته است به آن سجده کنند ... به آنچه تمام امت ها سوگند یاد می کنند، سوگند یاد می کنم که از پنجاه سال تاکنون بیش از هزار بار این خطبه را خوانده ام و هرگاه خواندم قلبم تپید، اعضای بدنم لرزید و لرزش و ترس وجودم را فرا گرفت و از آن پند گرفتم. هرگاه در آن تأمل کردم مردگان از خویشان و نزدیکان و دوستانم را به یاد آوردم و یقین کردم که آن کس که در این جمله ها وصف

۱۴۴. ترجمه تفسیر طبری (=منسوب)، ج ۷، ص ۲۰۴۷.

۱۴۵. کشف الاسرار، ج ۱۰، ص ۵۹۶.

۱۴۶. جامع البیان، ج ۳۰، ص ۲۸۳؛ ج ۱۰، ص ۴۰۲؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۳۴؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۲۰، ص ۱۶۸.

۱۴۷. نهج البلاغه، خ ۲۲۱، ترجمه شهیدی، ص ۲۵۲.

است برای پیشوای پنهان آنان که خواهد آمد و در آخر الزمان به حاکمیت زمین خواهد رسید. اما اصحاب ما (معتزله) می گویند وعده است برای پیشوایی که بر زمین حاکمیت خواهد یافت و بر حکومت ها چیره خواهد گشت. «۱۵۲»

مولا فتح الله کاشانی پس از ترجمه روایت می نویسد:  
والحمد لله والمته که در آخر الزمان دولت آل محمد - علیهم صلوات الله الملك المئان - به ظهور خواهد رسید و حق از باطل امتیاز خواهد یافت. در زیر چرخ برین علی رغم دشمنان بدسگال بی دین، از صادق - صلوات الله علیه وعلی آباءه و اولاده الکرام - این بیت منقول است:

لكل اناس دولة يرُقْبونها  
ودولتنا في آخر الدهر تظهر  
هر کسی را دولتی از آسمان آمد پدید  
دولت آل علی آخر زمان آید پدید<sup>۱۵۳</sup>

آنچه تا این جا آوردیم اندکی بود از بسیار. این گلگشت در بوستان علی (ع) و در فضای جان نو از سخنان علی بن ابی طالب (ع) در تفسیر و تأویل آیات قرآن را با یاد یار به فرجام آوردم. یاد و نام امام مهدی (عج) که دل را از عشق به زیبایی، والایی، عدالت و نیکی می آکنند و اندیشیدن به آن «خورشید مغرب» چشم انداز سراسر نور و هیجان و ایمان را در پیشدید می گشاید و زمزمه «نغمه های پیروزی» آن «دادگستر جهان»، «شوق دیدار» آن فرجام بخش آرمان رهایی آفرین پیامبران و بنیانگذار والای «روزگار رهایی» را در جان فرو می ریزد.



۱۴۸. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۱۵۳.

۱۴۹. ر. ک: سید هاشم بحرانی، المحجبه فی منازل فی القائم الحجبه؛ سید صادق شیرازی، المهدی فی القرآن؛ خورشید مغرب، ص ۱۱۳-۱۲۳؛ معجم احادیث الامام المهدی (هج)، ج ۵ (الآیات المفسره).

۱۵۰. دلائل الامامه، ص ۴۵۰؛ معجم احادیث الامام المهدی (هج)، ج ۵، ص ۲۲۲ و ۳۲۱ و منابع بسیار دیگر؛ الغیبه، شیخ طوسی (ره)؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۵۵.

۱۵۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۴۲۲؛ تأویل الآیات، ج ۱، ص ۴۱۳؛ نهج البلاغه، خ ۲۰۹؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۵۶.

۱۵۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۲۹.

۱۵۳. ترجمه و شرح فارسی نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۸۹.

می شود من هستم. واعظان و فصیحان از این سخنان بسیار گفته اند و من بر این گونه سخن از آنان فراوان دست یافته ام، اما هرگز این تأثیر بر دل را در آنها ندیده ام. «۱۴۸»

### در آستانه خورشید

آرمان نجات انسان در فرجام تاریخ، آرمانی است بلند که تمام مکاتب به گونه های مختلف از آن یاد کرده اند. در آموزه های اسلام بن مایه های این آرمان را در قرآن مجید می توان یافت. در قرآن مجید، درباره مسائل مرتبط با آینده روزگار و حوادث آخر الزمان، چیرگی نیکی و پاکیزه خویان بر جهان، و حاکمیت صالحان، به اشارت و صراحت، سخن رفته است. این گونه آیات را مفسران اسلامی بر پایه احادیث معتمد و نقل های موثق و روایات غیر قابل تردید درباره امام زمان (عج) و حکومت و حاکمیتی آن بزرگوار دانسته اند. «۱۴۹» در روایات اهل بیت (ع) این حقیقت به گونه ای شورانگیز، هیجانبار و امید آفرین در صدها روایت با ابعاد مختلف پرداخته شده و جان های شیفته به این آرمان مطلوب توجه داده شده است. «۱۵۰» از جمله آیاتی که بر اساس نقل های بسیار این آرمان والا را رقم می زند، آیه ذیل است: و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین. (قصص، آیه ۵)

«و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم.» «۱۵۱»

علی (ع) در کلامی امید آفرین فرمودند:

لتعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس علی ولدها  
وتلاعقيب ذلك و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض  
و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین.

«دنیا پس از سرکشی روی به ما نهد، چون ماده شتر بدخو که به بجه خود مهربان بود.» سپس این آیه را خواند: «و می خواهیم ...»

شارحان نهج البلاغه این جمله علی (ع) را اشاره به دولت یار، «روزگار رهایی» و طلوع «خورشید مغرب» که انسان با آن حاکمیت سپیده گشا بر «فجر ساحل» خواهد ایستاد و امواج خروشان حق را در تحقق عینی حاکمیت «آخرین امید» خواهد دید، دانسته اند.

ابن ابی الحدید می گوید: «به پندار شیعه این آیه وعده ای

